

چهره‌ها

Chehreh Nama

بهار 3757 زرتشتی 1398 خورشیدی
نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
سال سی و هفتم شماره 189



 **QUEEN OF KINGS**
GOOD THOUGHTS GOOD WORDS GOOD DEEDS

گروه زنده داران

نوروز فرخنده باد
گروه زنده داران (هیات امنا) جشن فرخنده و باستانی نوروز را که از هزاران سال گذشته برای ما به یادگار مانده است را به تمامی هم کیشان و هموطنان عزیز خجسته باد گفته، سالی پر از سلامتی، سروری و پیروزی را برای همگی از اهورامزدا خواهانیم.
با برگزاری مراسم ها و جشنهای نیاکانمان نه تنها یادهای خوش گذشته خود را زنده نگه می داریم، بلکه در کنار فرزندانمان و فامیل و دوست و آشنا زمان خوشی را می گذرانیم.
در اینجا از تمامی گروه های فعال مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و افرادی که با همفکری، همکاری همزوری و یا دهشهای مالی خود ما و هازمان خود را یاری نموده اند، سپاس فراوان داریم.
امیدواریم که در سال جاری، همگی ما به نحوی برای پیشبرد هازمان زرتشتی کوشش کنیم.

ایدون باد، ایدون ترح باد
نوروزتان پیروز باد

فرازهای برجسته بینش زرتشت

یانیم. مَنو. یانیم. وِچو
یانیم. شَبه اَنم. آشه اَنوزره توشترهه.
فرا. آمشا. سینتا. گائانو. گه اورواین.
نمو. و. گائانو. آشه انیش.

سراسر اندیشه، گفتار و کردار زرتشت برگرفته از ندای اهورایی است.
این سرودها را فرا پذیرید.
ای امشاسپندان،
ای فروزه های اهورایی،
ستایش و درود به سرودهای ورجاوند و پاک گات ها باد.

پیش در آمد گات ها

بر گیری از نوشته های چهره نما با چاپ نام نویسنده و نشانی تارنما آزاد می باشد.
چهره نما در گزینش و ویرایش نوشته های رسیده آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی شود.
دیدگاه های بازتاب شده در نوشته ها همیشه گویای دیدگاه های انجمن دبیران چهره نما نمی باشد.
چهره نمای مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، نشریه ایست دینی، اجتماعی، تاریخی، ادبی و فرهنگی که به هیچ دسته و گروه سیاسی بستگی ندارد.

زیر نگر گروه دبیران
گرافیک، رایانه و صفحه آرا: کوبین یکتاهی
تایپ: شبنم پاک سرشت
اینترنت: رامین شهریاری

Trust of Morvarid Guiv
c/o Mina Soroosh
PO Box 49404 Los Angeles, CA 90049

سخن نخست

ای مزداهورا، براستی پاداش تو ارزانی کسانی باد
که برای پیشرفت و تازگی جهان افرینش می کوشند.
گاتها هات ۳۴ بند ۱۴

باز بهار و نوروزی دیگر از راه رسید و مزده تازه شدن با خود می آورد و ما به یاد می آوریم باید اندیشه ها را تازه کنیم و کارهای نویی را آغاز کنیم اما نو گرداندن اندیشه ویژه یک روز نیست. هر روز، روز تازه شدن و تازه گرداندن است. تازه گرداندن چیزی نیست جز لبخندی از شادی که بر لب ت داری و به دیگران سرایت می کند. تازه گرداندن همین مهربانی بدون چشمداشت است که به اطرافیان خود می بخشی. نوزایی همین همازوری با دیگران جهت بهتر کردن جامعه خود است و اطمینان کردن به جوانان است و میدان دادن به آنها برای به دست گرفتن کارهای جماعتی. تازه گرداندن همین همیاری با مرکز زرتشتیان کالیفرنیا است برای ساختن محیطی بهتر برای فرزندانمان بدون توجه به منافع شخصی و جاه طلبی. نوآوری همین نشر اندیشه های ناب زرتشت و به کار بستن آن در زندگی است. تازه شدن همین خواندن یک کتاب ارزشمند و صحبت درباره آن است با کسانی که دوستان داری. تازه گرداندن همین زندگی ست ساده بدون اندیشه انحصار گرایی و قدرتخواهی. پس بیاییم در سال جدید هر روزمان را با انجام کاری، تازه گردانیم. نوروز بر همه گان خجسته باد.

با ارزوی همازوری بیشتر در جامعه خوش نام زرتشتی و همراهی و همازوری همه هموندان.

سبز و مانا باشید
جمشید جمشیدی

سعدی

برآمد باد صبح و بوی نـوروز
به کام دوستـان و بخت پیروز
مبارک بادت این سال و همه سال
همـایـون بادت این روز و همه روز
چو آتش در درخت افکند گـانـار
دگر منقل منـه، آتش میـفـروز
چو نرگس چشم بخت از خواب برخاست
حسد گو دشمنان را دیده بردوز
بهاری خرمست ای گل کجایی
که بینی بلبلان را ناله و سوز
جهان بی ما یسی بودست و باشد
برادر جز نکو نامی میندوز
نکویی کن که دولت بینی از بخت
مبـر فرمان بدگـوی بدآموز
منه دل بر سرای عمر، سعدی
که بر گنبد نخواهد ماند این گوز
دریغـا عیش اگر مرگش نبودی
دریغ آهو اگر بگذاشتی یوز



(بخش پایانی)

چالش پیش روی نوکیشان

بسیاری از خواستاران دین زرتشت در آمریکا، اروپا، روسیه و آسیای میانه به یاری موبدان که در خارج از ایران زندگی می‌کنند سدره پوش شده و همچنان به دین فراخوانده می‌شوند. به تازگی یکی از موبدان نیز با آموزش از راه دور و برگزاری آزمون خواستاران را سدره پوش کرده، به دین زرتشتی فرا می‌خواند. بسیاری نیز با پژوهش بدون برگزاری آیین سدره پوشی خود را از پیروان اندیشه زرتشت می‌دانند. با همه این شیوه‌ها که در حال انجام است، چالش بنیادی نوکیشان این است که انجمن‌های زرتشتی در ایران پروانه ندارند تا برای آنان کارت شناسایی صادر کنند. بنابراین جوانان نوکیش چه دختر و پسر نمی‌توانند با زرتشتی زادگان پیوند زناشویی داشته باشند. در آیین‌ها و جشن‌های زرتشتیان پروانه ورود نداشته و هرچند خود را زرتشتی می‌دانند ولی در هازمان زرتشتی پذیرفته نشده و جایگاهی ندارند. پارسیان هند نیز همچنان براندیشه خود پافشاری کرده و کسی را به دین زرتشت نمی‌پذیرند. نهادهای زرتشتی خارج از کشور نیز فکری در این باره نداشته و اقدامی نکرده‌اند. بنابراین چنانچه چاره‌ای اندیشیده نشود بیگمان زمانی آمار آنان از زرتشتی زادگان کنونی فزون تر خواهد بود و نمی‌توان آینده رابه درستی پیش بینی کرد.

ویژگی جوانان زرتشتی

امروزه شاهدیم که جوانان زرتشتی در بیشتر رشته‌ها دانش اندوخته و سرآمد شده‌اند. هازمان زرتشتی افتخار دارد که در روزگار کنونی کسی بیسواد ندارد. بیشتر دختران و پسران زرتشتی چه از گروه پارسیان هند و چه زرتشتیان ایران که در جهان به سر می‌برند، آموزش دانشگاهی داشته و در رشته‌های گوناگون علمی به جایگاه ارزشمند و پیشرفت چشمگیری



دست یافته‌اند. بسیاری از آنان در پست‌های مهم دانشگاهی، آزمایشگاهی، تجربی و پژوهشی به کار مشغول شده‌اند.

چالش پیش روی جوانان زرتشتی

جوانان با آنچه پیش از این گفته شد اکنون در جهان پراکنده شده‌اند. برخی در کنار خانواده خویش زندگی می‌کنند و بسیاری نیز تهابی را برگزیده‌اند. جوان زرتشتی سراسر دنیا کمتر با یکدیگر در ارتباط بوده به همین روی آشنایی‌های فردی، شغلی، اقتصادی و فرهنگی با هم ندارند. باید بپذیریم که باور دینی آنان نیز نسبت به نسل پیش کاهش یافته و تنها نام زرتشتی بودن را با خود نگهداری می‌کنند. اگر از فلسفه دین زرتشت نکته‌ای پرسیده شود از پاسخ دادن به آن پرهیز می‌کنند چون آگاهی چندانی از دین و آیین نیاکان خویش ندارند.

آشکار است در کشورهایی که دین افراد برای حکومت و مردم مهم است پیروان هر دینی با رفتار و گفتار خود تلاش می‌کنند به اندیشه پیام آور و آموزگار خویش افتخار کرده برتری جویی دین و فرهنگ خویش را به رخ دیگران بکشند. با این شیوه جوانان زرتشتی که آموزه‌های دینی را کمتر می‌دانند از کاروان گفتگوی ادیان دنبال تر بوده و احتمال گرایش به اندیشه و دین دیگری نیز وجود دارد.

در این روزگار که بسیاری از جوانان دنیا از هر آیین و مسلکی به بهانه خرافاتی و دشوار بودن آیین‌های دینی، در برنامه‌های سنتی دینی کمتر شرکت می‌کنند و بسیاری از جوانان بی تفاوت به آموزه‌های دینی شده‌اند. شایسته نیست تا در این راستا آموزه

های نیک، راستی گستر، شادی آفرین و خرد پایه زرتشت نیز به فراموشی گراید و جوانان ما نیز که بایستی از دینی ساده و پیشرو پیروی کنند، همانند دیگران با اشاره به خرافی بودن ترادادهای آیینی زرتشتی از دین بیزار شوند. یکی از شیوه‌های درست این است که به جوانان خود سفارش کنیم تا آموزه‌های اوستا و پیام زرتشت چه جایگاهی را به آنان داده است. با این کار جوانان ما به رفتار خود افتخار خواهد کرد. پس از آن پیام زرتشت را به درستی از سرودهایش، گات‌ها برگزیریم و آن را برای استفاده به نسل جوان خود پیشنهاد کنیم. تا خودشان در این راه پژوهش کنند و بهترین راه را برگزینند زیرا زرتشت در بخشی از هات ۳۰ بند ۲ از یسنا می‌فرماید:

ای مردم

بهترین گفته‌ها را به گوش بشنوید

با اندیشه روشن به آن بنگرید

سپس هرمرد و زن از شما

راه نیک وید را با اختیار برگزیند

جایگاه جوانان در اوستا

در اوستا آمده است

یَوَایم. هو مَننگهم. هو وچنگ هم.

هو شیَه اوتتم. هو دَایم. اَشَه وَنم. اَشَه

رتوم. یَزَه میبده. (خرده اوستا، گاه ایوی

سروتتم)

برگردان این سرود چنین است:

جوان نیک اندیش ، نیک گفتار ،

نیک کردار ، نیک دین (با وجدان)

وسرآمدشویی (هنجارگرا) را می ستایم.

اگر در ره‌ریک از این گزینه‌هایی که اوستا

برای جوانان آرزو کرده است. (نیک

اندیشی)، (خوش گفتاری)، (درست

کرداری)، (داشتن وجدان آگاه)، (قانون

مداری)؛ جوانان زرتشتی را راهنمایی و

پشتیبانی کنیم تا این ویژگی‌های نیک را

در رفتار خویش به کار گیرند و آن را به

همکیشان و فرزندان خود یادآوری کنند.

بیگمان ساختار و چگونگی زندگی آینده



جوانان را بهتر خواهیم داشت. از سردر گمی بیرون آمده وبا نگرشی تازه و درست، آنان نیز همانند نسل های پیش به دین و فرهنگ خود افتخار می کنند. به خوبی از آن پاسداری خواهند کرد وبا این رویکرد تازه خوشنامی همیشگی هازمان زرتشتی درجهان را همچنان پیش رو خواهیم داشت.

دین زرتشت و ترادادهای زرتشتی آشکار است که دین زرتشتی را بایستی از پیام زرتشت برگزیم وهرگاه کنکاشی در سرودهای زرتشت داشته باشیم به این فروزه های فلسفی وارزشمند خواهیم رسید.

من پژوهشی ژرف برسرودهای زرتشت داشته ام. برداشت و نگرشی تازه را برای نخستین بار بیان خواهیم کرد.

• اهورامزدا در پیام زرتشت آنچنان خدایی نیست که در ادیان ابراهیمی به آن اشاره شده است. خدایی که در آسمان ها باشد، قادر و توانا، گاهی خشم کند، از مردم انتقام بگیرد. فرشتگانی در دربار داشته باشد، پیامبری را برگزیده و کلام خویش را به او وحی کرده باشد وازانسان بندگی بخواهد تا او

را به بهشتی برساند که حضرت آدم زمانی در آن جای باصفا بوده است. اهورامزدا را تاکنون دانای بزرگ هستی بخش برگردان کرده اند. "مزدا" دانای بزرگ و اهورا هستی بخش. آشکار است که واژه "دانا" اسم فاعل و کننده کار است، (کسی که می داند) پس این کس چگونه پدیدار شده است؟ هستی بخش نیز کسی بوده که "زمانی هستی را بخشیده است" واین نیز اسم فاعل و کننده کار است. این چه موجودی بوده و خودش چگونه آفریده شده است؟

باور من از سرودهای زرتشت که گاهی واژه "مزدا" ودر برخی سرودها "اهورا" و "اهورامزدا" را به کار برده است. و پرسش هایی بی پاسخ را درباره هستی پیرامون زندگی خود داشته است. اشاره به "دانش وآگاهی" داشته است نه شخصی دانا که در آسمان باشد وبه او پاسخ مناسب بدهد، چنانکه در گات ها اهورامزدا هیچ پاسخی به زرتشت داده نشده است.

سراسر بندهای هات ۴۴ از یسنا، در آغاز زرتشت می فرماید: این را از تو می پرسم ای اهورا به راستی برای من آشکار کن.

وآنچه می پرسد پرسش هایی است که در زندگی پیرامون خود مشاهده کرده و چون دانش آن زمان هنوز پیشرفت نکرده دلیل و فلسفه آن را کسی نمی دانسته است. زرتشت از دانش وآگاهی چشم داشت پاسخ بوده است. ولی این پاسخ ها آن روزگار آشکار نبوده بلکه در گذر زمان دانشمندان و دانایان پس از او هریک به مردم نمایان کرده اند.

زرتشت در این بندها از مزدا اهورا (دانش وآگاهی درهستی) می پرسد: بنیاد وشیوه زندگی درست چگونه است؟، سرچشمه آفرینش چگونه است؟، چه نیرویی مسیر خورشید وستارگان را بنیاد نهاده؟، آب وگیاهان با زمین وآسمان چگونه پدیدار شدند؟، روشنایی وتاریکی چگونه پدید می آید؟و... زرتشت با این پرسش ها، اهورامزدا را موجودی شگفت انگیز ومعجزه گر نمی شناسد او دریافته است که با دانایی وخرد به دانایی و آگاهی دست یافت و با این شیوه می توان به خداوند نزدیک شد.

بشود ای اهورامزدا که بایاری وهومن(اندیشه نیک) به تو نزدیک شوم. به من کامیابی وپاداشی را که از راه اشا (هنجار راستی) به دست می آید. در دو جهان مادی و مینوی ارزانی دار. گاتاها، سرودهای زرتشت یسنا ۲۸ بند۲ رویه ۶۳

بدین روی برگردان درست واژه اهورامزدا به باور من چنین خواهد بود: اهورا(هستی مند) به چم دارنده هستی، آمیخته باهستی، همراه باهستی مزدا (دانایی وآگاهی بیکران) دانشی که درهستی بیکران است.

بنابراین اهورامزدا به چم «دانایی وآگاهی بیکران هستی مند» خواهد بود. دین از واژه "دانه" به چم وجدان بیدار و آگاه است که بینش درونی انسان است. کسی دین دار است که به آگاهی و دانایی رسیده باشد و بهترین شیوه زندگی و خوشبختی را برای خود و دیگران برگزیند.

درگات ها، یسنا ۲۱ بند ۵۱ آمده آنکه ستایشگر آرمی تی باشد پاک وپارسا است. او با بینش، گفتار، کردار ودین خود راستی واندیشه نیک راپرورش می دهد آنکه اهورامزدا خواستار است.

من می خواهم چنان باشم وپاداش نیک آن را درخواست کنم. (ساسانفز، برگردان گاتاها، رویه ۱۰۷۹)

اشوزرتشت در سرودهایش خود را سوشیانت (رهایی بخش) و ماترن (اندیشه برانگیز) وآموزگار می داند. اوهرچند در هات ۲۹ از یسنا با رایزنی خرد، اشا، وهومن، روان هستی و دانش وآگاهی بیکران (مزدا) برگزیده می شود ولی نباید او را همانند پیامبران سامی بدانیم که خداوندی او را مامور کرده و از آسمان به او وحی شده است.

دوگوه هرزاد و متضاد در بینش زرتشت یکی از شاهکارهای فلسفی اوست که ثابت می کند اهورامزدا سراسر نیک است ویدی از دانایی سرچشمه نمی گیرد بلکه انسانی که تراوش اندیشه پس از آمیخته شدن دو گوهر همزاد انگره مینو(اهریمن) باشد بدی ها را در زندگی و هستی پدیدار می کند.

سفارش زرتشت برای زندگی؛ راستی، شادی، خردورزی، سازندگی، تازه شدن، برابری، مهربانی وآشتی مردم جهان است وبه تیره و قوم ویژه ای بستگی ندارد. بهشت و دوزخ زرتشت با کردار نیک و بد انسان در همین جهان بوده، مینوی است و نباید کسی را از رفتن به آتش جهنم به ترس وادارکرد.

زرتشت خوشبختی انسان را در خرسندی دیگران می داند و زندگی مادی را اهمیت می دهد به همین روی آژردن تن، نخوردن خوراک و ریاضت کشیدن را سفارش نمی کند.

ترادادهای سنتی کنونی زرتشتیان در ایران جشن هایی مانند نوروز، سده، مهرگان، تیرگان، اسفندگان و... گاهنبارها، آداب ویژه درگذشتگان، جشن سدره پوشی وگواه گیری می باشد که در هر شهر وروستایی برگزار می شود. پارسیان هند نیز برخی از جشن ها وآداب روزگار ساسانی را با خود به یادگار برده اند که با شیوه ترادادهای هندی آمیخته شده و جشن های دیگری نیز افزوده کرده اند.

چالش دینی پیش روی جوانان

در این راستا نیاز به همایش های دینی است تا اندیشمندان و موبدان جهان گرد هم آمده و به پالایش بینش زرتشت از باورهای پنداری و خرافات پردازند تا شیوه و راهکاری یکسان و مناسب برای جوانان برگزیده شود. تا پیروی از بینش زرتشت آسان و میسر گردد.



بن مایه:

این پژوهش میدانی بوده واز نسک های زیر نیز بهره گرفته شده است

گاتاه، سرودهای زرتشت- برگردان دکتر آبتین ساسانفر- تهران، انتشارات بهجت چاپ دوم ۱۳۹۳

زرتشتیان ایران، پس از اسلام تا امروز- دکتر کتابیون نمیرانیان- تهران، مرکز کرمان شناسی ۱۳۸۱

ستیزوسازش، زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده های اسلامی- جمشیدگرشاپ چوکسی، برگردان نادر میرسعیدی- تهران، انتشارات ققنوس ۱۳۸۱

زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنها- مری بویس، برگردان عسکر بهرامی- تهران، انتشارات ققنوس ۱۳۸۱

سه سال در ایران، ژوزف آرتور کنت دوکوبینو- برگردان ذبیح اله منصور، تهران نگارستان کتاب

قصه سنجان، داستان مهاجرت زرتشتیان ایران به هند- بهمن کیقباد- تهران، انتشارات فروهر ۱۳۵۰

تاریخ زرتشتیان ایران، اوضاع سیاسی اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان در دوران قاجاریه- هاشم رضی- تهران، انتشارات بهجت ۱۳۹۴

خرده اوستا- برگردان از دین دبیره- رشید شهرمدان- تهران، انتشارات فروهر ۱۳۸۰

ناهمگونی آموزه های دینی با برخی تردادها(سنت ها)

یکی از گزینه هایی که سبب شده تا آموزش و گسترش دانش دینی، برگزاری ترداد ها و آیین های کهن برای جوانان تازگی نداشته باشد و دین پذیری جوانان نسل کنونی دشوار گردد این است که ما سال های زیادی است از فرهنگ و آموزه های راستین خویش دور مانده ایم. موبدانی که از بینش زرتشت یاری بگیرند و آموزگار راستی باشند نیز در گذر زمان کاهش یافته اند. موبدان بیشتر به برگزاری آیین ها و اوستاخوانی پرداخته اند و این کار را شغل خویش می دانند. بنابراین چنین پیش آمده که ما هیچ گونه پیروی از آموزه های دینی به شکل هماهنگ برای افراد جامعه زرتشتی نداریم.

هرچند بسیاری از آداب تردادادی گذشته مانند استفاده از پاچاو، تُشوه، بَرشَنوم، جداکردن زنان دستان، آداب ناخن چیدن و دخمه گذاری و مانند اینها را خود به خود فراموش کرده ایم ولی همچنان باورهای تردادادی ما با برخی ادیان دیگر همانند سازی می شود. موبدان باور ندارند که پیام زرتشت درباره بهشت و جهنم، توبه کردن، خوردن و پوشیدن، آزادی گزینش و بسیاری از خواسته های پیروان زرتشت به گونه دیگری است که اکنون با پیام این آموزگار سازگاری ندارد و نیاز است برپایه بینش راستین زرتشت هماهنگ گردد.

ساده کردن و کوتاه کردن نیایش ها، آیین ها و تردادادهای دینی در این دوران از اهمیت ویژه ای برخوردار است تا جوانان پذیرای آن باشند. برخی تردادها از روزگار ساسانی همچنان دست نخورده باقی مانده است در حالیکه زندگی مردم پس از هزار و پانصد سال هیچ شباهتی به هم ندارد. شاید روزگاری امکان سرایش پنج گاه نیایش شبانه روزی وجود داشته و زرتشتیان پیوسته سدره و کشتی را با خود

داشته اند. آیا اکنون با پیشه های گوناگونی که جوانان در کشورها دارند، امکان آن همچنان وجود دارد و اینگونه آداب بایستی به آنان سفارش و پافشاری گردد؟ چنانچه بخواهیم به جمله اوستایی که در بیان جایگاه جوانان در اوستا آمده نگرش داشته باشیم. اندیشه، گفتار و کردار نیک را از آنان خواستار باشیم تا دین و بینش درستی در روزگار کنونی داشته باشند بایستی همایش هایی ویژه برپا کنیم. از اندیشمندان، موبدان، هیربدان و جوانان بخواهیم درباره دین راستین زرتشت و هماهنگی آن با تردادادهای گوناگون پژوهش کرده و با رنسانسی دیگر برگه ای تازه و درست برپایه بینش زرتشت بر دفتر چندین هزار ساله فرهنگ و باورهای پیروان زرتشت بیفزاییم و آن را به نسل جوان بسپاریم و گرنه درآینده نزدیکی آنچه را تاکنون با هزاران رنج و ستم از نیاکان به ارث برده ایم به موزه تاریخ ادیان بسپاریم.

نتیجه

جوان زرتشتی در روزگار کنونی همانند دیگر ملت ها به سردرگمی دینی دچار گشته وگاهی از دین بیزار می شود چون آگاهی درستی از آن ندارد. در دوران نوجوانی بدون دلیل انگیزه های دینی دارد ولی چون جوانی را پشت سر می گذارد ذهن و خرد او نیاز دارد تا فلسفه آیین های دینی را دریابد و چنانچه در این دوران به پاسخی منطقی دست نیابد. برخی از آیین های دینی را خرافات خواهد دانست و به بی تفاوتی دینی می رسد.

زرتشتیان در جهان به زرتشتیان ایران، پارسیان هند و نوکیشان زرتشتی دسته بندی شده اند که هریک ویژگی های خود را دارند. درگذر از تاریخ چند هزارساله خود با دشواری دین و فرهنگ خویش را نگهداری کرده اند و اکنون نیز با چالش های فراوانی روبرو می باشند.

چنانچه جوانان زرتشتی درجهان به هویت دینی خویش دست یابند و برپایه بینش درست اشوزرتشت رفتار کنند از یکسو دین و آیین نیاکان به نسل های بعدی نیز خواهد رسید و از سوی دیگر مردم جهان به شکوه از دست رفته چنین فرهنگ دیرینه ای پی خواهند برد.

همه می دانیم که از آغاز واپسین کوچ گروهی ما زرتشتیان از مام میهن کمابیش ۴۳ دهه می گذرد. هر چند ما (شوربختانه) با این پدیده بیگانه نبوده ایم زیرا که از کمابیش هزار سال پیش این روند آغاز شده است لیک این بار دگرگونه است. پیش از این بیشتر کوچ ها و جابجایی ها به سرزمین هند (و گاهی وارون آن) بوده است ولی این بار در دیگر سرزمین های گیتی پراکنده شده ایم. هر جابجایی و دگرگونی بزرگی که در یک هازمان روی دهد با خود پیامدهای بزرگی نیز به همراه دارد، بویژه که سخن از یک گروه مردمی کوچک است. گروهی که پیش از این نیز جدایی ها را آزموده و این بار این جدایی های نوین آن را هر چه بیشتر از هم گسیخته است. سخن از پیامدهای این گسیختگی هاست. سخن از برجای بودن و ماندگاری است. لیک، همه ی داستان تلخ نیست! بلکه هر چالشی در خود توانمندی ها و امکانات گوناگونی را نیز دارد که بسته به شناخت، دریافت و بهره بری درست و خردمندانه از آنها دارد.

چه می کنیم؟ کجاییم؟ به کجا می رویم؟

پرسش هایی که همه ی ما با آنها روبرویم. اما پاسخ ها چه هستند و ما چگونه می توانیم از شرایط نوین به بهترین شکلی به سود هازمان و دین و فرهنگ خود بهره ببریم؟ آیا بیشتر و بالاتر از آنها چه داریم که می توانیم به دیگر مردمان و هازمان جهانی پیش کش کنیم؟ چگونه می توانیم چنین کنیم؟ آیا بر جای می مانیم تا چنین کنیم و یا خود را به دست خود و دیگران از میدان روزگار به بیرون پرتاب می کنیم؟

اندیشمندان، دلسوزان، کنشگران، بیندیشید و فشرده ی اندیشه هایتان را با همگان در میان بگذارید. برخی بوده و هستند که چنین کرده و می کنند و امیدواریم که بیشتر نیز چنین کنند. یادمان باشد که پیدا کردن و گفتن از مشکلات تنها بازگو کردن پرسش است لیک پاسخ ها چیستند؟

و سپس می ماند که چگونه امکانات رسیدن به بهترین پاسخ ها و راه ها را می توان فراهم آورد که آن را به پس از نتیجه گیری از همه ی اندیشه ها و گفته ها وامی گذاریم.

پاسخ ها و اندیشه هایتان را برای چهره نما روان کنید. بنا بر آنچه شدنی است و در دسترس چهره نما است آنها را به چاپ خواهیم رساند تا در دید همگان جای گیرند وگرنه دیگر رسانه ها نیز هستند و می توانند یاری کنند.

بنابراین آنها نیز شاید شمار فرزندان چندان زیادی که پایایی جمعیت جامعه را تضمین، ندارند. وانگهی این دو طبقه اجتماعی نرخ طلاق و گسیختگی خانوادگی بیشتری نیز دارند. می ماند طبقه پائین اجتماع که عملاً هم شمار بسیار بیشتری از اعضا جامعه را در بردارند و هم میزان زادآوری آنها در هر خانواده بیشتر است.

حال اگر آنچه بالا آمد را در نظر داشته باشیم مشکل جامعه زرتشتیان در زادآوری به روشنی آشکار می گردد. افزایش میزان تحصیلات و کوشایی و درستکاری زرتشتیان سبب شده که سطح زندگی مالی افراد این جامعه افزایش یابد و بیشتر آنان از فقر و ناداری فاصله بگیرند. علاوه برافزایش میزان دانش آموختگی، پائین بودن زادآوری نیز موجب افزایش سطح زندگانی آنان شده. این نکته را در نظر داشته باشید که اقلیت های زرتشتی بیشتر در ایران و هندوستان زندگی می کردند که در سده اخیر گونه ای از افزایش شدید جمعیت را تجربه کردند که موجب کاهش امکانات تقسیم شده در جمعیت هم می شد و پائین نگاه داشتن شمار فرزندان، پدر و مادرها را قادر می کرد سطح زندگی بالاتری برای آنان فراهم کنند.

اما دلیل دوم کاهش شمار زرتشتیان فرونی یافتن برون شوندگان از کیش زرتشتی نسبت به وارد شوندگان بدان است. گاهی گفته می شود که به سبب اینکه تنها کسانی زرتشتی خوانده می شوند که از پدر و مادر زرتشتی باشند و کس دیگری را بدان راه نیست، کیش



بزرگ برای چنین روندی را می توان برشمرد: نخست کاهش زادآوری اعضای این کیش نسبت به شمار درگذشتگان آن است و دوم اینکه شمار کسانی که از این کیش بیرون می شوند فزونتر از کسانی گردد که بدان وارد می شوند. کوشش می کنیم به هر دوی این پرسش ها و پاسخ های آنها و نیز پیامدهای هر دو پردازیم و در پایان به پرسش بزرگ پاسخ دهیم که چه می بایستی نمود و یا اینکه چه ها می بایستی نمود؟ در این راه همچنین کوشش می شود تا جایی که می شود راه کارهای شدنی و عملی ارائه گردد.

نخست کاهش زادآوری جمعیت زرتشتیان را بررسی می کنیم و اینکه چرا چنین چیزی روی می دهد؟ هر جمعیت و جامعه ای در همه ابعاد خود اعم از اقتصادی، فرهنگی، موقعیت و دیگر عوامل به سه طبقه مشخص تقسیم بندی می شود: طبقه پائین، طبقه میانی و طبقه بالا. البته سنج و مقیاس تقسیم بندی تنها بر پایه توان مالی و دارایی نیست ولی به گفته نویسنده نامدار انگلیسی جورج اورول ساده ترین و سریع ترین راه است. از بابت زادآوری می دانیم که در طبقات اجتماعی بالاتر که شمار آنان نیز در جامعه نسبت به طبقات دیگر هم کمتر است، میزان زادآوری پائین است. در طبقه بالای اجتماع افراد یا ازدواج نمی کنند یا بسیار دیر ازدواج می کنند و بسیاری شاید فرزندان نشوند و اگر هم بشوند باز هم دیر بچه دار می شوند و در کمترین شمار ممکن هرچند این گفته کلی است ولی بر اکثریت افراد این طبقه دلالت دارد. طبقه متوسط نیز که شمار آنها در جامعه از طبقه بالاتر بیشتر است با شدت کمتری تقریباً پیرو همان کردارهای طبقه بالاتر در زمینه ازدواج و فرزندآوری هستند

چالش پایایی فرزاد درخشان

نوشتاری که در پی می آید پیرامون پایایی جامعه جهانی زرتشتیان است. جامعه زرتشتیان پاسدار بخش مهمی از فرهنگ ایرانی و دارنده و نگهدارنده عناصر ارزشمندی از آن هستند. همچنین به عنوان یک فرهنگ و جهان بینی باستانی، بخشی از میراث و ثروت معنوی و فرهنگی بشر و از ارزشمندترین گهرهای آن هستند. پایایی و پایستاری این کیش بیگمان آرزوی هر ایرانی و هر انسان فرهنگ دوستی است.

مستقیم به سر اصل مطلب می رویم که همانا کاهش نگران کننده شمار زرتشتیان جهان است، این انسانهای زیبااندیش و زیباخو که تصور ناپدید شدن جامعه آنان از جهان در طول دهه ها و سده های آینده بسیار اندوهبار و غمناک است. هرگز نمی توان نبودن این جامعه و انسانهای درستکارش که رنج سده ها و هزاره ها را بر دوش کشیده و با شرافت و پاکی و درستکاری زندگانی خود و فرزندان خود را به پیش برده اند را تجسم نمود. حتی نام آنها از سنگین ترین و درخشانترین بخشهای نوستالژی در خاطرات و بیاد داشته های ایرانیان است که بار احساسش در ژرفای دل هر ایرانی است. کمترین خطری که این کاهش شمار برای خود زرتشتیان دارد کاهش توان آنان و پایمال شدن حقوقشان است و چه چیزی میتواند منجر به کاهش شمار و ناپدید شدن یک گروه و بگونه ویژه، یک کیش گردد؟ دو سبب

زرتشتی تبدیل به کیشی شده که نه کسی توان ورود بدن را دارد و نه کسی توان خروج از آن را و سخی اشتباه تر از این در دنیا نیست زیرا هر آن که یک زرتشتی بخواهد از کیش زرتشتی برون رود بسادگی و با آغوش باز بوسیله ادیان دیگر بویژه ادیان اسلام و مسیحیت پذیرفته می شود پس درست تر این است که بگوئیم کیش زرتشتی تبدیل به کیشی شده که کسی توان ورود بدن را ندارد ولی همه کس توان خروج از آن را بسادگی دارند و پیداست که چنین روندی به چه می انجامد. همیشه گفته ام و همه ما نیز می دانیم که دین زرتشت به هیچ روی یک دین نژادی نبوده و نیست. در اوج توان شاهنشاهی های ساسانی و هخامنشی که بیشتر جهان متمدن آن هنگام را زیر پرچم داشت و دین زرتشت در آن حاکم بود همه گونه ملیت و نژاد می زیستند. همه ما چه زرتشتیان و چه ایرانیان غیر زرتشتی کنونی که بیگمان نیاکان زرتشتی داشته اند می دانیم که اگر زرتشتی بودن به داشتن پدر و مادر زرتشتی بود، از آنجا که خود زرتشت بزرگ نیز نخستین زرتشتی جهان بود و پدر و مادر او زرتشتی نبودند با این تعریف نمی توانست زرتشتی باشد.

نمی توان دینی را جهانی نامید و آن را بیان پروردگار به انسان دانست ولی روشی که خداوند برای خوشبختی انسان ها از راه دستوراتش مشخص کرده از انسانها دریغ نمود. به عبارتی بگوئیم پروردگار راهی برای سعادت همه انسانها به او نشان داده ولی هم زمان گفته جز اندکی از آنان حق رفتن از آن راه را ندارد! چیزی خنده دارتر از این وجود ندارد زیرا این نقض اصل و ذات وجودی آن دین بزرگ است و دین بزرگ نمی تواند غیر تبلیغی باشد. غیر تبلیغی بودن مال ادیان و باورهای عقب افتاده و ابتدائی است و این به هیچ روی در باره ادیان بزرگ صدق نمی کند. غیر تبلیغی دانستن دین زرتشت و پائین آوردن آن تا سطح خرده باورهای قبیله ای بت پرستانه یعنی دست کم گرفتن کیش بزرگ زرتشت و زرتشتیان.

با نگاهی به جهان پیرامون می توان به وضعیت ادیانی که گروندگان تازه به دین خود

را نمی پذیرفتند دید. نمونه خوب آن دین یهود است که با وجود اینکه سده ها پیش از اسلام و مسیحیت پدیدار شده است ولی به سبب محدودیت ورود بدن شمار پیروانش کم مانده و همین موجب ضعف آن شده بگونه ای که در تاریخ بارها میتوان به موارد کشتارهای همگانی این قوم برخورد. تنها نقطه قوت این دین و قوم انسجام و همبستگی درونی آنها با یکدیگر است و ایکاش زرتشتیان نیز یک چنین انسجامی در بین خود می داشتند.

بیائید خردمندانه و روراست با هم سخن بگوئیم و بپذیریم این رویه که پذیرفته شدن زرتشتی بودن یک فرد مشروط به زرتشتی بودن پدر و مادرش است تنها به یک دلیل بوجود آمده: در نیفتادن با حکومتهای غیرزرتشتی که زرتشتیان به عنوان اقلیت تحت حاکمیت آنها زندگانی می کردند. به ناچار در اجتماعاتی که زرتشتیان در آنجا به عنوان اقلیت می زیستند موبدان و روحانیت زرتشتی برای حفظ امنیت جانی زرتشتیان به یک توافق و پیمان نانوشته با حاکمان محلی می رسیدند بدینگونه که: " شما با زرتشتیان و مردم ما کاری نداشته باشید و بگذارید به دین خود باشند و ما نیز مردمان شما را به دین خود فرا نمی خوانیم و نمی پذیریم. این توافق در آن هنگام و با در نظر گرفتن شرایط زمانه بسیار درست بود و اصلا چاره ای نیز بجز این نبود. و بدین روی بود که زرتشتیان ایران و هند توانستند در آرامش به زندگانی خود ادامه دهند. این رویه لاجرم منجر به این می شد که با وجود خروج بسیاری از زرتشتیان از کیش زرتشت کسی به این کیش پذیرفته نگشته و از شمار زرتشتیان کاسته گردد. ولی اکنون بسیاری از زرتشتیان در همه جای دنیا پراکنده شده اند و بیشتر در جاهایی زندگی می کنند که آزادی کامل دینی و تبلیغ دین وجود دارد و هیچگونه خطر درگیری مذهبی و دینی آنان را تهدید نمی کند و به همین روی ادامه روند پیشین مبنی بر عدم تبلیغ و فراخواندن غیر زرتشتیان به دین زرتشت دیگر نه تنها سودی ندارد بلکه زیانمند نیز هست.

اینها در مورد وارد شوندگان به دین بود و اما عامل دیگر کاهش شمار پیروان یک کیش همانگونه که گفته شد فزونی شمار برون شوندگان از آن کیش نسبت به وارد شوندگان به آن است به همین روی در اینجا به بیرون شوندگان از کیش نیز می پردازیم. اگر واقع بینانه بنگریم، بیشتر این بیرون شوندگان بر پایه دلیل خروج از دین دو دسته اند: دسته نخست کسانی که برای گریز از انزوای اجتماعی و فشارهای وارده و محرومیت های یک اقلیت از امتیازات اجتماعی به کیش دیگری وارد می شوند و دسته دوم نیز کسانی که به سبب ازدواج با غیر زرتشتیان از کیش زرتشت خارج می شوند. باید به یک نکته در اینجا توجه داشته باشیم که در روزگاران گذشته بیشتر بیرون رونندگان از دین را دسته نخست تشکیل می دادند ولی امروزه دسته دوم شمار بیشتری از بیرون رونندگان از دین را تشکیل می دهند. شمار دسته نخست بدین روی کاهش داشته که به سبب گسترش ارتباطات جهانی و نیز افزایش دانش، درک و دانستگی اکثریت، ستمهای تحقیر آمیز و فشارهای مستقیمی که در زمانهای گذشته بر زرتشتیان وارد می شد کاهش بسیار یافته. از سوی دیگر به سبب اینکه دین زرتشتی از سوی قوانین ایران به عنوان یک دین مجاز برای پیروانش به رسمیت شناخته شده است و گردهمایی های اجتماعی ویژه زرتشتیان این انزوا را کاهش می دهند. در این گردهمایی ها که باید پیشوایان و رهبران دینی و اجتماعی زرتشتیان در گسترش شمار آنان بکوشند، زرتشتیان فرصت می یابند که با همکیشان خود ارتباطات اجتماعی و انسانی بیشتری بیابند و انزوا کمترنگ می گردد.

و در مورد دسته دوم که به سبب پیوند زناشویی با غیر زرتشتیان از دین زرتشت بیرون می روند باز هم دو دلیل هست: نخست پراکندگی شمار زرتشتیان در جهان و حتی کم شدن شمار آنان در کانونهای تمرکزشان در ایران و هند که یافتن همسر همکیش را برایشان سخت کرده و دوم نیز قواعد سختگیرانه در پذیرفتن و حتی نپذیرفتن غیر زرتشتیانی که با زرتشتیان پیمان زناشویی می بندند. هنگامی که یک مرد زرتشتی با یک زن غیر زرتشتی پیمان زناشویی می بندند به سبب فرهنگ مردسالارانه ای که در ایران از هنگام باستان تا کنون بوده زن غیر زرتشتی و فرزندانشان در جمع زرتشتیان تا حدی پذیرفته می گردند هر چند گاهی برخی مقاومت های کوچک در جامعه زرتشتی در برابر چنین ازدواج هایی دیده می شود.

در مورد زنان زرتشتی که با مردان غیر زرتشتی پیوند زناشویی می بندند نیز اوضاع بسیار بدتر می شود بویژه در میان برادران زرتشتی پارسی هند که به هیچ روی چنین پیوندی را بر نمی تابند. این زنان جایگاه خود را در جوامع سنتی زرتشتی ایران و هند از دست می دهند. این زن بینوا دیگر چاره ای جز رفتن بسوی خانواده و جامعه شوهرش ندارد تا بلکه از طرد و انزوای اجتماعی که بر او و فرزندان او تحمیل می شود بکاهد. این زن اگر بخواهد به دین شوهرش درآید و شاید بخش بزرگی از گرفتاری اش از میان برود اما مشکل بزرگ از آنجایی آغاز می گردد که شوهر این زن کسی باشد که خود به کیش زرتشتی علاقه داشته باشد و از دوستداران زرتشتیان باشد که بسیار روی می دهد. ناگفته پیداست که مرد در بین زرتشتیان پذیرفته نمی گردد و خواهان بازگشت بسوی مردم خود نیز نیست و زن نیز نمی خواهد بسوی طایفه شوهرش برود و نمی تواند هم برود زیرا خود شوهرش نیز این را نمی خواهد و از دیگر سوی زن از سوی همکیشان خود هم طرد شده. وضعیت این زن و شوهر نمونه کامل گفته مشهور "از اینجا رانده و از آنجا مانده" است و این دو در یک برزخ جهنمی گیر می کنند که انتظار و نگرانی کشنده ای روان آنان را تا به پایان زندگانشان می فرساید.

و اما می رسیم به پرسش بزرگ این نوشتار که: چه می بایستی نمود؟ و با در نظر داشتن اینکه از همان آغاز نوشتار گفتیم که کوشش بر یافتن راهکارهای شدنی، عملی و واقعی است، این پرسش بدینگونه پرسیده خواهد شد که: چه میتوان نمود؟ و این پرسشها ما را بسوی یک پرسش پایانی رهنمون می کند که اگر کاری برای افزایش شمار زرتشتیان انجام ندهیم چه خواهد شد؟

نخست می پردازیم به اینکه چه میتوان کرد؟ یک بار دیگر فهرست سه گانه عوامل کاهنده شمار زرتشتیان را برای یادآوری بر می شماریم تا راهکار هرکدامشان را جداگانه بررسی نمایم: - کاهش زادآوری- فزونی یافتن برون شوندگان از کیش زرتشت- کم بودن و یا نبودن وارد شوندگان به دین زرتشت. در حقیقت عامل شمار ۱ بیشترین

نقش را در کاهش زرتشتیان دارد ولی عامل شماره ۳ بیشترین نقش را در افزایش شمارشان می‌تواند داشته باشد.

از دید نگارنده در همین گام نخست پیداست که باید بر جذب نوکیشان تمرکز نمود و راه را برای آنان گشود زیرا در باره دو مورد دیگر که کاهش باروری جمعیت زرتشتیان و نیز برون شوندگان از کیش زرتشت چندان کاری نمی‌توان کرد و حداکثر می‌توان کاهش جمعیت حاصل از این دو را کمی کند و کم سرعت تر نمود ولی این هم دلیل نمی‌شود که در باره این دو کاری انجام نشود.

تشکیل گروه‌های حمایتی به کمک اعضای توانگتر جامعه که بتواند فرصتهای پیشه و کار با درآمد بیشتر و ثابت تر برای افشار کم درآمدتر و معمولی تر فراهم نماید، می‌تواند به امنیت فکری این افراد در زندگانی کمک کرده و موجب تشویق آنان به زادآوری و افزایش شمار فرزندان گردد. بویژه جامعه زرتشتیان هند که اعضای توانگتر آن از امکانات و پشتوانه قویتری برخوردارند شاید بهتر بتوانند چنین حمایت‌های موثری را از افشار با درآمد معمولی تر جامعه خود بنمایند.

پردازیم به موضوع بیرون شوندگان از دین. پیش از این گفتیم که این امر بیشتر به دو گونه صورت می‌گیرد، تغییر دین برخی اعضای جامعه زرتشتی برای گریز از انزوا و محرومیت‌های اجتماعی و نیز ازدواج با غیر زرتشتیان. مورد نخست را همانگونه که پیشتر شرح آمد با افزایش همبستگی و ارتباطات درونی جامعه زرتشتی با زرتشتیان و دوستدارانشان می‌توان تا حد بسیاری بهبود بخشید. تنها مورد دیگری که در این باره می‌توان اضافه کرد نیاز به ارتباط معنوی، فرهنگی و دینی بیشتر رهبران دینی زرتشتی با اعضای جامعه زرتشتی است تا در خلال این ارتباطات با تشریح و نمایانگر نمودن پویایی‌ها و زیبایی‌های این دین از اینکه یک فرد بسادگی جذب گفتارهای فریبنده و کلیشه‌ای باورهای دیگر شود پیشگیری نمود. و صد البته رهبران و همگان اعضای جامعه زرتشتی وظیفه بزرگی در شناسایی اندک افراد تنها مانده و جدا افتاده دارند تا با برقراری ارتباط

با آنان افزون بر کاستن از تنهایی آنان، بر استحکام و همبستگی جامعه زرتشتی نیز بیفزایند. دیگر سخن در باره کسانی است که به سبب ازدواج با غیر زرتشتیان از جامعه زرتشتی بیرون می‌روند. در این مورد علتهای اصلی همانگونه که شرح داده شد جمعیت زرتشتیان در جهان، نیافتن همسر زرتشتی به سبب همین پراکندگی و کمبود احتمال برخوردن به هم کیش‌ها و همچنین بالا رفتن احتمال برخورد و آشنایی با افرادی از کیش‌های دیگر، می‌باشد. در باره نقش اجتماعات و همایشها در افزایش میزان آشنایی افراد همکیش با هم پیش از این بسیار گفتیم که نیاز به تکرار نیست. تنها یادآور می‌شویم که منظور تنها همایشهای بزرگ و ویژه مناسبها نیست بلکه رفت و آمدهای خانوادگی و دوستانه هم از کارهایی است که باید مورد تشویق قرار گرفته و رایج گردند بویژه برای زرتشتیان بیرون از ایران و هند که محدودیتهای بیشتری در معاشرت‌های اجتماعی به سبب کم بودن شمار زرتشتیان در پیرامونشان دارند. سازماندهی کوشش‌های افراد نیکوکار برای آشنا ساختن جوانان زرتشتی در سراسر جهان و گسترش توانایی‌ها و اپلیکیشن‌های دوستیابی و همسریابی می‌تواند سودمند باشد. اما در اینجا بزرگترین مشکل نبود انعطاف و عدم شناسایی این پیمانهای زناشویی از سوی بسیاری از رهبران دینی زرتشتی است که موجب رانده شدن طرف زرتشتی اینگونه پیمانهای زناشویی بسوی کیش طرف دیگر می‌شود. باید این واقعیت را پذیرفت که امروزه خواهی نخواهی اینگونه برخوردها و ازدواجهای بین زرتشتیان و غیر زرتشتیان رخ می‌دهد و خواهد داد و جوانان را نمی‌توان در گزینش همسرشان محدود کرد بویژه در جوامع آزادتر. در اینجا شاید عملی‌ترین راهبرد در این زمینه می‌تواند این باشد که این پیمانهای زناشویی به رسمیت شناخته شوند مشروط بر اینکه طرف غیرزرتشتی این ازدواجها نیز کیش زرتشتی را بپذیرد و یا اینکه لاقط پذیرد که فرزندان این ازدواجها بر اساس آموزش‌های دینی زرتشتیان پرورش یابند و در جامعه زرتشتیان پذیرفته گردند. ضمانت اجرایی این عمل را باید به طرف زرتشتی این ازدواجها سپرد و طرف زرتشتی اینگونه ازدواجها هم اگر بداند و اطمینان یابد که خودش طرد نمی‌شود و فرزندانش نیز در جامعه زرتشتی پذیرفته می‌شود همه کوشش خود را در مذاکره با طرف غیر زرتشتی خواهد کرد تا این شروط تحقق یابد و لاقط توافق برای پرورش فرزند با کیش زرتشتی حاصل آید ولی با همه اینها باید آزادی‌گزینشگری انسانها در دنیای امروز را در نظر داشت.

یکی از راه‌های منطقی و عملی برای پایایی جامعه زرتشتی پذیرش نوکیشان است و بس. این چیزی است که آمار به ما می‌گوید. پذیرفتن نوکیشان همانگونه که در بالا گفته شد در روزگاران گذشته سیاسی بود که رهبری جامعه زرتشتی برای پیشگیری از درگیری با جوامعی که تحت حاکمیت آنان زندگی می‌کردند، در پیش گرفتند. اکنون دیگر این سیاست نه تنها سودی ندارد که بسیار هم زیانمند است و به مانعی برای بقا و پایایی جامعه زرتشتی بدل شده است. موبدان و پیشوایان دینی زردشتی بگونه‌ای یکدست و با اتفاق نظر کامل و بگونه‌ای روشمند نوکیشان تازه را بدین زردشت پذیرفته و همانند اعضای دیرین با آنها برخورد کنند. این می‌تواند یکی از راه‌های بقا و پایایی دین زرتشت باشد وگرنه حقایق آماری فریاد می‌زنند که در ظرف چند سده و یا حتی چند دهه دین زرتشت را باید در موزه‌ها یافت. چرا باید عضویت جامعه زرتشتی را از هزاران انسانی که با پژوهش در کیش نیاکان خود و با پژوهش در ساختارهای پاک و بی‌آلایش این دین بدان علاقمند شده و با عشق بسوی آن آمده‌اند دریغ نمود؟ آیا سرخوردگی حاصل از پس زده شدن چنین کسانی چیزی است که با ذات کیش زرتشت و خواسته زرتشت بزرگ هماهنگ باشد؟ اینگونه کسان غالباً از فرهیخته‌ترین و درستکارترین افراد جامعه خود هستند و پذیرفتن چنین انسانهایی با هیچ معیار و سنج اخلاقی، انسانی و خردمدارانه‌ای روا نیست.

پذیرفتن نوکیشان یک خطر دهشتناک دیگر هم برای دین زرتشت دارد که شاید تا کنون بدان پرداخته نشده است. اگر این افراد بگونه منظم و سامان مند پذیرش نشوند، در گروه‌ها و دسته‌های پراکنده گرد هم آمده و خود به ساماندهی گروهشان و تفسیر خود از کیش زرتشت

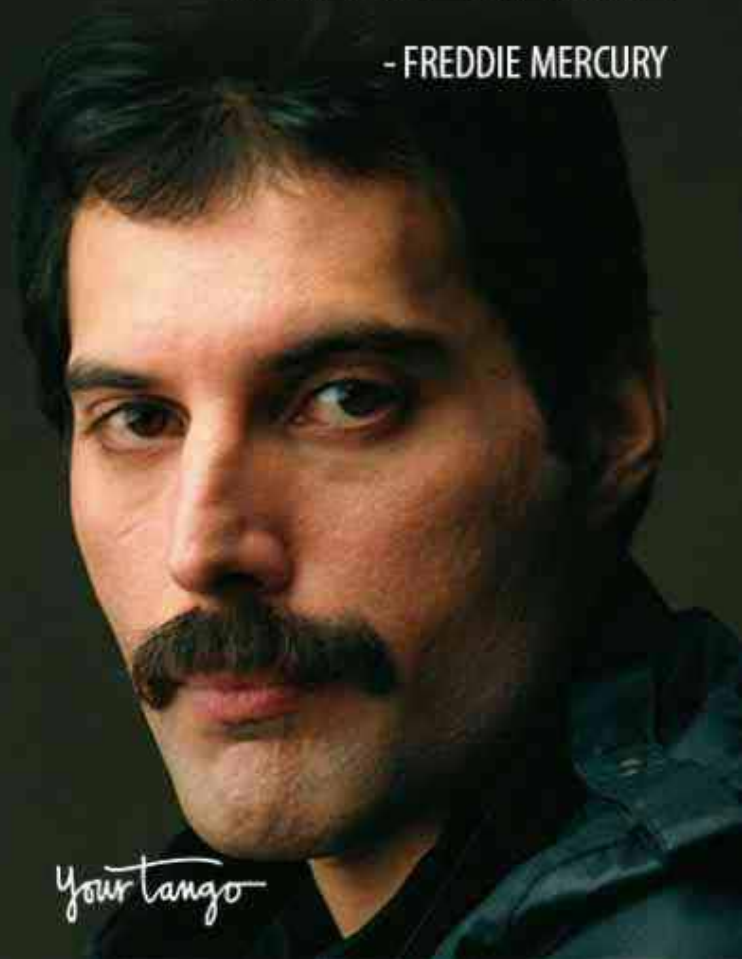
دست خواهند زد. آنچه پس از آن روی می‌دهد ظهور فرقه‌ها و مذاهب گوناگون از دل دین زرتشت خواهد بود که بدترین زیان‌ها را به کیش زرتشت خواهند زد. در زمانهای باستان و دیرین ما شاهد پدید آمدن فرقه‌های مزدکی، مانوی و زروانی از دل زرتشتیگری بوده‌ایم و حتی در دوران ناتوانی ایران و کیش زرتشت پس از یورش اسکندر گجستک شاهد جان گرفتن دین مرده میترائیسم بودیم تا بدان حد که در نقش رستم نگاره‌هایش در سنگ نگاره‌های ساسانیان دیده می‌شود. در دنیای کنونی هم می‌بینیم که تفسیر زرتشتیان هند و ایران به سبب افتراق از هم چقدر تفاوت از هم یافته. در هند نیز تنها بر سر تفاوت سالنما پارسیان به دو گروه شاهنشاهی و قدیمی تقسیم شده‌اند. تصور کنید که در هر قاره جهان ده‌ها دین نوین و شبه زرتشتی ظهور و رشد کنند و آنگاه چه بر سر کیش پدران و نیاکان ما خواهد آمد؟ آیا موبدان و پیشوایان دینی زرتشت می‌توانند چنین چیزی را بپذیرند؟ هم اکنون موبدهایی به ورود نوکیشان کمک می‌رسانند ولی بگونه پراکنده. در جاهای گوناگون همچون اروپا، روسیه، کردستان عراق و آمریکا شاهد گرایش شمار بزرگی از مردم به کیش نیاکانمان هستیم و این جمعیت‌های پراکنده در جای‌جای جهان اگر زیر یک رهبری دینی یگانه گرد نیابند در طول زمان به فرقه‌های مذهبی گوناگون با اندیشه‌های متفاوت و عجیب و غریب تبدیل خواهند شد. البته تفسیرهای آزاد و گوناگون از کیش زرتشت به پویایی آن کمک می‌کند ولی گسیختگی و فرقه‌فرقه شدن را هرگز نمی‌بایستی که روا داشت.

شمار زرتشتیان نوکیش بیگمان بر شمار همکیشان پیشین فزونی خواهد گرفت و اگر اینان بگونه سامان مند و تحت رهبری دینی واحد گرد نیابند و پیشوایان دینی کنونی اینان را نپذیرفته و تحت هدایت درست دینی خود قرار ندهند به گسیختگی دین منجر خواهد شد.

"I AM A ROMANTIC
BUT I DO PUT A BARRIER
AROUND MYSELF

SO IT'S HARD FOR PEOPLE
TO GET IN AND TO KNOW
THE REAL ME

- FREDDIE MERCURY



Your tango

سپس با رخدادن انقلاب در آنجا ناچار به کوچ از آنجا شدند و در پایان نیز در انگلستان ساکن شدند. فردی بیشتر دوران کودکی خود را در هندوستان سپری کرد و ناوختن پیانو را هم از ۷ سالگی شروع کرد. پس از مهاجرت به انگلیس، مرکوری در دانشگاه پلی تکنیک ایزلورث ثبت نام کرد و مشغول به تحصیل در رشته هنر شد. سرانجام او دیپلم خود را در رشته «هنر و طراحی گرافیکی» از دانشکده ایلینگ آرت کالج دریافت کرد و بعدها از مهارت‌هایی که در آنجا کسب کرده بود، برای طراحی کردن تاج کوئین (لوگوی کوئین) استفاده کرد. مرکوری پس از فارغ‌التحصیلی، به چند گروه موسیقی پیوستند. آوریل ۱۹۷۰، مرکوری به برابان می گیتاریست و راجر تیلور نوازنده درامز پیوست که قبلاً در گروهی به نام اسمایل عضویت داشتند. با وجود اینکه دیگر اعضای گروه و همین‌طور تردینت استودیو، از قبل نام‌هایی برای گروه انتخاب کرده بودند، مرکوری نام «کوئین» را برای گروه برگزید. مرکوری از بدو تولد تا پایان عمرش شهروند بریتانیا باقی ماند. چند بار در فیلم به بنیاد آموزه های زرتشت بزرگ یعنی پندار، گفتار و کردار نیک اشاره شده است ولی این اشاره های سطحی شاید نتواند چگونگی تاثیر

به تماشا نشستیم تا بدانم چه میتوان نوشت و با دیدنش ناگهان همه خاطرات و بیاد داشته های دوران جوانی من از این خواننده و آهنگساز به اندیشه ام بازآمد. با آن چهره به گفته دوستان "خفن جنوب شهری اش" و با آن صدای ویژه اش که طنین آن بخشی از دوران جوانی من و هم نسلانم در سراسر دنیا بود. او با نام "فرخ بولسارا" در ۵ سپتامبر ۱۹۴۶ در تانزانای آفریقا از یک خانواده پارسی و زرتشتی هندی پایبند به دین زرتشت بدنی آمد او یک خواهر کوچکتر هم به نام کشمیرا داشت، همانجا که محل کار پدرش به عنوان کارمند دولتی امپراتوری بریتانیا بود و

فردی مرکوری

نازنین فردمنش

شب گذشته پیامی از یک دوست خوب دیرین که نمی شد سخنش را بر زمین گذاشت، دریافت کردم که از من می خواست نوشتاری کوتاه در باره خواننده نامدار فردی مرکوری بنگارم آن هم به مناسبت فیلمی که بتازگی در باره زندگانی او ساخته شده بود. فیلم را همان روز



که یک نژاد تازه کشف شده از قورباغه‌ها، به افتخار فردی مرکوری، مرکوریانا نام‌گذاری شده است. این نژاد در سال ۲۰۱۳ در کرالا هند کشف شد. دلیل این نام‌گذاری این طور ذکر شده است که «موسیقی پرتراوت مرکوری الهام‌بخش پدیدآورندگان بوده است». علاوه بر آن، محل کشف این نژاد قورباغه در نزدیکی جایی قرار دارد که مرکوری بیشتر دوران کودکی خود را در آنجا گذرانده است.

باید پی گرفته شود که می‌کوشد تهبای ژرف و سخت افسرده‌کننده انسانی را در دنیای کنونی نمایانگر گردد. چنین انسانی در نبود باور به هیچ اندیشه و دینی و تهی بودن از فرهنگی که بدان وابسته بوده تنها یک چیز می‌داند و آن اینکه فقط باید ادامه داد. مرکوری در صبح ۲۴ نوامبر ۱۹۹۱ در سن ۴۵ سالگی در خانه‌اش در کنزینگتون درگذشت. تنیدسی از مرکوری در موترو سوئیس که توسط مجسمه ساز ارنا سدلکا ساخته شده، برای تکریم و بزرگداشت او برپا شد این مجسمه سه متر طول دارد و در حال نگاه کردن به دریاچه لمان از بالا است و در ۲۵ نوامبر ۱۹۹۶ در میان حضور طرفداران، توسط پدر مرکوری و منتسرات کاباله و همین‌طور باقیمانده اعضای گروه کوئین، رونمایی شد. از سال ۲۰۰۳ به بعد، طرفداران مرکوری برای بزرگداشت این هنرمند، هر ساله در آخر اولین هفته از ماه سپتامبر، در کنار این مجسمه گرد هم می‌آیند که این رویداد تحت عنوان «روز بزرگداشت فردی مرکوری در موترو» شناخته می‌شود. جالب است بدانیم

آموزه‌های دینی که او از فرهنگ خانواده اش دریافت داشته بود نشانگر شود، برای این کار باید به کارهایش نگاهی انداخت. ترانه «رپسودی بوهمیایی» او که نام فیلم نیز از آن برگرفته شده بود داستان جوانی است که در هنگام پایانی زندگی با آوردن نام خدا روان خویش را از اهریمن بازپس می‌گیرد آن هم بگونه تازی آن یعنی الله و شاید از یک هنرمند پارسی که نیاکنش را کسانی که خدا را با همین نام می‌خواندند از ایران رانده بودند انتظار نمی‌رفت نام خدا را اینگونه در ترانه اش بکار گیرد ولی این نشانگر اوج فرهنگ مدارا با دیگران است که در دین زرتشت بدان سفارش شده است، افزون بر اینکه بسادگی ریشه و بنیاد ادیان ابراهیمی خاورمیانه همچون اسلام، مسیحیت و یهودیت را میتوان در دین زرتشت یافت. ترانه دیگرش بنام «معجزه» ساده ترین پدیده‌های طبیعی که در برابر دیدگانمان داریم و بسیاری هنگامها آنان را نادیده می‌گیریم و پیچیدگی آنان را نمی‌بینیم به عنوان معجزه‌های راستین بر می‌شمرد و این از صریح‌ترین و منطقی‌ترین آموزه‌های زرتشتی است که برخلاف ادیان ابراهیمی به معجزات ماورای طبیعت چندان تکیه نمی‌نماید. و در پایان هم آهنگ «نمایش



پیشگفتار

این نوشتار قرار است به «آینده زرتشتیان» بپردازد، اما در اینجا منظور از «آینده» نه فقط افق زمانی ۲۰ یا ۳۰ سال آینده زرتشتیان که زمان بی‌کرانی است که همواره پیش روی ماست. بر این اساس این نوشتار قصد دارد به این پرسش پاسخ دهد که «زرتشتیان در گذر زمان چگونه باید با آینده رویارو شوند؟». هدف نهایی آن است که پیشنهادی راهبردی به زرتشتیان ارائه شود که همواره کارآمد بوده و محدود به دوره زمانی خاصی نباشد.

در این بخش از نوشتار «زرتشتیان و آینده» که با عنوان «آینده در دیدگاه زرتشتیان» منتشر می‌شود، موضوعات بنیادینی که فهم آن‌ها لازمه پاسخ به پرسش اصلی است مطرح خواهند شد. در این بخش بررسی خواهیم کرد که مقصود ما از «زرتشتیان» چه کسانی هست و پیش‌داشتهای ما در مورد ماهیت «آینده» چیست. کنکاش در این موضوعات ما را آماده می‌سازد تا به این پرسش پاسخ دهیم که «دیدگاه زرتشتیان درباره آینده چگونه باید باشد؟». در بخش بعدی این نوشتار که به نام «زرتشتیان و آینده: پراکندگی، تجمع، ارتباط و تفاوت» خواهد بود، بیشتر بر روی سازوکار عملیاتی که بتواند زرتشتیان را در رویارویی با آینده یاری کند تمرکز خواهیم کرد.

چیستی «آینده»

پیش از هر چیز در اینجا لازم است نگاهی دقیق‌تر به مفهوم «آینده» بیندازیم و پیش‌داشتهای خود را در مورد آن بازبینی کنیم. پیش‌داشتهای این متن درباره «آینده» برگرفته از مبانی رویکرد آینده‌پژوهی (Futures Studies) است و بر اساس آن «آینده» پدیده‌ای یک‌سویه، نامعین، دگرگونی‌پذیر و بیش‌بینی‌ناپذیر است. اگرچه «یک‌سویه» بودن زمان امری بدیهی به نظر می‌رسد، اما بسیاری جوامع و تمدن‌هایی که می‌پندارند روزگاری زمان به همان جایی که پیش‌ازاین بوده است بازخواهد گشت، گواه برای فراوانی این دیدگاه غیرعقلانی، سیاستمداران هستند که هنوز با وعده

بازگرداندن جامعه به دوران شکوهمند پسن حتی در کشورهای مترقی موفق به جلب آرای مردم می‌شوند. یک‌سویه بودن زمان به معنی بی‌بازگشت بودن تغییراتی است که رخ داده‌اند. بر همین مبنا جامعه زرتشتی نیز باید بپذیرد که حدود ۱۵۰۰ سال پیش اسکندر مقدونی به ایران حمله کرد و به روایتی بخشی از اوستا را از بین رفت، زرتشتیان ۱۴۰۰ سال پیش از اعراب شکست خوردند و تسلط سیاسی خود را از دست دادند، از حدود ۸۰۰ سال پیش بخش عمده جمعیت زرتشتیان از بین رفتند و تبدیل به اقلیتی کم تعداد در قلمرو ایران‌زمین شدند و از ۲۰۰ سال پیش از مراکز تجمع خود در یزد و کرمان به سوی تهران، کرج و شیراز و اصفهان پراکنده شدند و از ۵۰ سال گذشته بخش عمده آن‌ها به خارج از ایران مهاجرت کرده‌اند. همه این‌ها رویدادهایی بی‌بازگشت‌اند که قرار نیست زمان به قبل از وقوع آن‌ها بازگردد. این گفته به معنای از یاد بردن گذشته نیست که البته گران‌بهارترین الگوها در تجربیان گذشته انباشته شده و درخور مطالعه و بررسی هستند، اما دل بستن به گذشته و غرق شدن در این توهم که دستی معجزه‌گر قرار است هر آن دگرگونی که موردپسند ما نبوده را باطل کند، باعث غفلت ما از اندیشیدن و پرداختن به آینده خواهد شد.

سنت نگارش تاریخ به این امر گرایش دارد تا با روایت سلسله‌وار وقایع توضیح دهد چرا اکنون جهان ما این‌گونه است. هر کتاب تاریخی را که ورق بزنید در آن نگارنده تلاش کرده برای خواننده روایتی منسجم از علت‌هایی را تشریح کند که به اکنون ختم می‌شود. این شیوه روایت تاریخ که از تمایل بشر به استخراج الگوهای معنی‌دار از محیط اطراف ناشی می‌شود، این پنداشت را در ما ایجاد می‌کند که آینده نیز مانند گذشته جهت‌مند است، یعنی آینده مجموعه‌ای از رویدادهای علی و سلسله‌وار است که قرار است به هدف خاصی منجر شود؛ اما با نگاه دقیق‌تر به همان تاریخ شاهد آن خواهیم بود که بسیاری از رویدادهای تعیین‌کننده در تاریخ تصادفی بوده یا احتمالشان بسیار اندک بوده است. خیانت یک دربان یا تعبیر خواب یک معبر یا بیمار شدن یک پادشاه جریان تاریخ را بارها دگرگون کرده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد باور به وجود سرنوشت به این معنی که جریان تاریخ قرار است به سرنمزل مشخصی برسد و یا آینده برآیند علت‌هایی است که در گذشته وجود دارند ادعایی غیر قابل‌اثبات است و نمی‌توان بر آن تکیه کرد.

بر اساس پیش‌داشت این متن آینده امری گشوده و از پیش نامعین است و بر این اساس برای زرتشتیان نیز سرنوشتی مقدر نشده است و نه لزوماً قرار است آن‌ها به رستگاری و سعادت برسند و نه کاهش جمعیت و نابودی آن‌ها محتوم است. البته به این معنی نیست که جهان سراسری قاعده است و شرایط کنونی و تاریخی زرتشتیان بر آینده آن‌ها تأثیری ندارد.

آینده از آن‌جهت «دگرگونی‌پذیر» است که در کنار جبر تاریخی که آینده را می‌سازد و همچنین رویدادهای تصادفی که اجتناب‌ناپذیر هستند، لازم است سهمی را نیز برای اراده و خواست انسان کنار بگذاریم. اگرچه بخش عمده‌ای از آینده بر اساس آنچه تاکنون رخ داده است تعیین‌شده است اما این قابلیت وجود دارد که بر اساس کنش‌های هدفمند اکنون ما بازم دگرگون شود. این نوشتار از آن‌جهت نوشته شده که نگارنده باور دارد باوجود نقش جریان‌ها و تحولات پیرامونی در شکل دادن به آینده جامعه زرتشتی، زرتشتیان این حق را دارند که چشم‌اندازی که به نظرشان مطلوب است را ترسیم کنند و برای رسیدن به آن تلاش کنند. البته همان‌طور که گفته شد تضمینی برای تحقق بی‌کم‌وکاست آن وجود ندارد.

آینده «پیش‌بینی‌ناپذیر» است. هیچ‌کس از آینده خبر ندارد، حتی قدرتمندترین کشورها و سازمان‌ها هم با انبوه منابع اطلاعاتی که در اختیار دارند نمی‌توانند آینده را به‌صورت دقیق پیش‌بینی کنند. همواره شناخت ما درباره محیط اطراف محدود است و در مورد آینده هم این‌چنین است، اگرچه ما می‌توانیم بر اساس تمام آنچه امروز می‌دانیم حدس‌هایی در مورد ۱۰ یا ۲۰ سال آینده بزنیم اما هر ادعایی در مورد فراتر از ۳۵ یا ۴۰ سال آینده نادقیق و غیرقابل اتکا است.

کیستی «زرتشتیان»

برای ادامه بحث نیاز است تا تعریفی روشن از مفهوم «زرتشتیان» در دست داشته باشیم تا هنگام پرداختن به «آینده زرتشتیان» بدانیم درون این مجموعه چه کسانی قرار می‌گیرند و موضوع گفت‌وگو ما آینده کیست. در اینجا کوشش بر آن است که تعریفی جامع و حداکثری از زرتشتیان ارائه شود تا قابلیت معتبر بودن در آینده بلندمدت را داشته باشد.

تاکنون عبارت «زرتشتیان» بیشتر بر «گروه قومی زرتشتی» اشاره داشته است. «گروه قومی» به معنی گروهی از افراد که با یکدیگر رابطه خویشاوندی دارند و دارای آداب‌ورسوم و شیوه زندگی مشترکی هستند؛ بنابراین تاکنون زرتشتی بودن فرد بر اساس رابطه خویشاوندی او با دیگر زرتشتیان و همچنین سبک زندگی او تعیین می‌شده است. اما تعریف دیگری نیز از «زرتشتیان» در دست است که به مجموعه باورمندان به آموزه‌های زرتشت اشاره دارد. گروهی از افراد که پس از پوشیدن سدره و کشتی جهان‌بینی مشخصی را برگزیده‌اند و قرار است از چهارچوب اخلاقی خاصی پیروی کنند. بر اساس این برداشت، معیار زرتشتی بودن یک فرد باورها و منش اخلاقی او خواهد بود.

در گذشته برای چندین سده این دو گروه یعنی «قومیت زرتشتی» و «باورمندان زرتشتی» تا اندازه خوبی بر هم منطبق بودند، یعنی افراد اندکی در خارج از قومیت زرتشتی با باورهای زرتشت آشنا بودند و از طرف دیگر اکثریت قومیت زرتشتی بر اساس تربیت خانوادگی و زندگی تنگاتنگ در کنار یکدیگر خواه‌ناخواه باورهای زرتشتی را می‌آموختند و کم‌وبیش ویژگی‌ها اخلاقی زرتشتی را کسب می‌نمودند؛ اما همان‌طور که در حال مشاهده آن هستیم دیگر لزوماً این دو تعریف بر هم منطبق نیستند، هم‌اکنون افراد بسیاری وجود دارند که به آموزه‌های زرتشت باورمندند و در منش اخلاقی خود از آن پیروی می‌کنند درصورتی‌که رابطه خوبی با دیگر زرتشتیان ندارند و همچنین زرتشتی زادگانی وجود دارند که در تماس با آموزه‌های زرتشت بزرگ نشده‌اند و الزامی هم به رعایت قواعد اخلاقی آن ندارند.

به نظر می‌رسد در آینده این تفاوت بیشتر هم خواهد شد و این روند لزوم بازتعریف مرزهای جامعه زرتشتی را برجسته‌تر خواهد کرد.

بازتعریف مرزهای جامعه زرتشتیان امری حیاتی است. چراکه اگر هر سیستمی نتواند مرزش را با محیط خود به درستی تعیین کند از بین خواهد رفت. مرزها باید در حالت پهنه‌ای از گشودگی و انسداد باشند به این معنی که اگر بیش‌ازاندازه کم‌رنگ و باز باشند باعث خواهند شد سیستم نتواند نسبت به تهدیدات محیطی از خود دفاع کند و اندک‌اندک در محیط خود حل خواهد شد. از طرف دیگر مرزهای انعطاف‌ناپذیر و سخت‌گیرانه موجب منزوی شدن جامعه و بی‌بهره ماندن آن از امکانات محیطی می‌شود که نهایت جامعه به دلیل ایستایی و جمود از بین خواهد رفت.

شرایط محیطی زندگی زرتشتیان در چند سده اخیر (به‌ویژه در ایران) مستلزم آن بوده که آن‌ها شکافی محافظ بین خود و جامعه بیرون بنا کنند، به‌گونه‌ای که ورود افراد جدید به جامعه زرتشتی را غیرممکن کند. بر این اساس زرتشتی بودن تنها هویتی موروثی دانسته می‌شده است. هرچند این قاعده برای تعیین مرز جامعه زرتشتی در آن زمان اجتناب‌ناپذیر بوده است، تصمیم آن به امروز و آینده را نمی‌توان بدیهی دانست، چراکه امروزه الگوی پراکندگی زرتشتیان و محیط فرهنگی آن‌ها بسیار متفاوت از گذشته است. از طرف دیگر چون نمی‌توان ادعا کرد زرتشتیان یک نژاد هستند، موروثی ماندن این هویت چندان قابل دفاع نیست و حتی اگر هم بودند این دیدگاه به‌گونه‌ای آشکارا با آموزه‌های اشوزرتشت در تضاد است، چراکه او خود را پیام‌آور نژاد یا ملیتی خاص نمی‌دانسته و تمام انسان‌ها را مخاطب خود قرار داده است. به‌عبارت‌دیگر زرتشتیان اصولاً این حق را ندارند که زرتشتی بودن را محدود به خود بدانند. بنا بر آنچه گفته شد به نظر می‌رسد دلایل قانع‌کننده‌ای برای موروثی ماندن هویت زرتشتی در آینده در دست نیست.

سؤال که پس از بحث بالا مطرح می‌شود این است که آیا باید هرکسی که به دین زرتشتی

علاقه‌ای نشان داد را به‌عنوان زرتشتی بدانیم؟ تا چه اندازه می‌توان بر پایداری افراد نوکیش تکیه کرد؟ از چه طریق می‌تواند دریافت که تمایل آن‌ها به کیش زرتشتی از سر هیجانانگ نیست و از روی شناختی عمیق آیین زرتشتی را انتخاب کردند؟ از طرف دیگر حتی اگر فرد به‌خوبی در مورد باورهای زرتشتی آشنایی داشته باشد و به‌صورت منطقی درستی آن‌ها را پذیرفته باشد تا چه اندازه می‌تواند در رعایت منش مبتنی بر این باورها خویشتن‌دار باشد. بخش زیادی از آدم‌ها دروغ‌گویی را رفتاری ناشایست می‌دانند ولی چه تعداد از آن‌ها در هر شرایط به راست‌گویی پایبند خواهند بود. منش‌های اخلاقی بیشتر از جنس مهارت‌اند تا دانش و آموختن آن‌ها امری زمانمند است و چه‌بسا اگر این آموزش‌ها از زمان کودکی آغاز نشود نهادینه شدن آن در وجود فرد بسیار دشوار خواهد بود.

از آن‌جهت که زرتشتیان این ادعا را دارند که افرادی راست‌گو و قابل‌اعتمادند، تنها یک زرتشتی دروغ‌گو کافی است که اعتماد به زرتشتیان و زرتشتیان به یکدیگر را از بین ببرد و باعث از هم گسیختن جامعه زرتشتیان شود؛ بنابراین برای پذیرش یک فرد به‌عنوان زرتشتی (چه زرتشتی زاده باشد یا خیر) نیاز است تا شایستگی اخلاقی او مورد تأیید قرار گیرد و مشخص شود در درازمدت آیا به آموزه‌های زرتشت پایبند خواهند ماند.

از طرف دیگر هنگامی که از جامعه سخن می‌گوییم منظور ما یک سیستم اجتماعی است که افراد در آن در حال تعامل با یکدیگر در این نوشتار از «جامعه» به

معنای «مجموعه‌ای آموزه‌های اشوزرتشت عمل این آموزه‌ها را با یکدیگر تعامل بلند مدت و این تعامل و بلندمدت لازمه است، چراکه نرم‌افزارهای در کالبد یک جامعه خود ادامه دهد و کسی می‌تواند ادعا کند که در می‌بندد. در یادماندن زبان و همچنین دیگران است. همزیستی زرتشتیان در کنار یکدیگر نه‌تنها موجب حفظ و رشد شیوه زندگی زرتشتی خواهد بود که این تعامل بلندمدت اجازه خواهد داد تا منش اخلاقی یکدیگر را محک بزنند و جامعه خود را از ناراستی پالایش کنند.

باید خاطرنشان کرد، تعریفی که در بالا ارائه شد مربوط به «جامعه زرتشتیان» است، به معنی جامعه‌ای (یک سیستم اجتماعی) تشکیل‌شده از تمام افرادی که می‌توانند زرتشتی دانسته شوند. جوامع زرتشتی به معنی جامعه‌هایی که ویژگی مشترک افراد آن‌ها زرتشتی بودن است (مانند جامعه زرتشتی ایران، جامعه پارسیان و...) زیرمجموعه‌های آن جامعه بزرگ‌تر هستند و همان‌طور که در بخش بعدی این مقاله خواهیم گفت، می‌توانند تعاریفی مربوط به خود و مرزهای متفاوتی برای پذیرفتن اعضا داشته باشند.

موضوع این نوشتار چنان‌که در ابتدا گفته شد «آینده جامعه زرتشتیان» است که البته روشن شدن این موضوع به شفاف شدن آینده جوامع زرتشتی نیز کمک بسیاری خواهد کرد. اگرچه ذکر این نکته ضروری است که همان تعریفی هم که برای «جامعه زرتشتیان» ارائه شد برای پیشبرد بحث بوده و صرفاً یک پیشنهاد است. پس‌ازآن که برای ما مشخص شد منظور ما از زرتشتیان چه کسانی هستند، این پرسش مطرح می‌شود که کمال و غایت زرتشتیان چیست



و آن‌ها قرار است در گذر زمان چه کارکردی داشته باشند.

خویشکاری «زرتشتیان»

حال که با ماهیت «آینده» آشنا شدیم و تعریفی نسبتاً دقیق از «زرتشتیان» در دست داریم، زمان آن رسیده که به سراغ پرسش اصلی خود برویم. گام اول برای آنکه بفهمیم زرتشتیان چگونه باید با آینده رویارو شوند این است که بدانیم چه چیزی برای زرتشتیان مطلوب است. بدون دانستن مقصود زرتشتیان پیشنهاد برای چگونه پیمودن راه آینده بی‌معنی است. در سروده‌اشم وهو به‌خوبی می‌توان پاسخ این پرسش که چه چیزی در جهان‌بینی زرتشتی مطلوب است را یافت:

اشوبی بهترین نعمت است، اشوبی خوشبختی است، خوشبختی برای کسی است که بهترین اشوبی را خواستار باشد.

در این سرود خوشبختی برابر با نیل انسان به‌سوی «اشوبی» دانسته شده است. برای آن‌که بدانیم چه چیزی در دیدگاه زرتشتیان مطلوب است نیاز است از واژه «اشه» رمزگشایی کنیم. مفهوم «اشه» یکی از کلیدی‌ترین واژگان اوستایی است که فهم درست آن راه را برای درک جهان‌بینی زرتشتی باز می‌کند؛ اما این واژه چنان پیچیده و چندوجهی است که بسیاری از اوستا‌شناسان از ارائه تعریفی جامع درباره آن دست شستند و واژه مناسبی برای جایگزین کردن «اشه» در گزارش‌های خود نیافتند.

در ادامه بنا به لزوم بازتعریف مفهوم «اشه» در راستای پرداختن به موضوع اصلی نوشتار سعی خواهیم کرد تفسیری کاربردی از آن ارائه دهیم. پیش از همه نگراننده به این امر اعتراف می‌کنم که او اوستاشناس و صاحب‌نظر در این حوزه نیست و برداشتی که در اینجا ارائه خواهد شد تنها دریافت نگراننده درباره «اشه» است که قرار نیست جامع و کامل باشد چراکه واژگانی مانند اشه و یا اهورامزدا مفاهیمی بی‌کران هستند و با پیشرفت معرفت بشری دریافت انسان از آن‌ها کامل‌تر و ژرف‌تر خواهد شد.

در واژه‌نامه‌های اوستایی «اشه» برابر با واژه‌ها

راستی، حق، دادگری، نظم، حقیقت، هنجار هستی و قانون آفرینش آورده شده است. به نظر می‌رسد «اشه» پدیده‌ای است که در هر مقیاس از هستی به شیوای متفاوت ظاهر می‌شود. در سطح کلان «اشه» هنجار هستی است، نظم و قانونی که تمام پدیده‌ها و آفریده‌ها در چهارچوب آن امکان وجود یافته‌اند و خواه‌ناخواه از آن پیروی می‌کنند. هستی و قانون هستی چنان درهم‌تبدیل‌اند که نمی‌توان مرزی بین آن‌ها گذاشت و هستی را بدون قانون‌مندی تصور کرد از این رو حتی می‌توان «اشه» را حقیقت هستی و همان چیزی که در جهان بیرون وجود دارد دانست. در میان همه موجودات، انسان توانمندی ویژه‌ای دارد و آن توانایی تخیل است. انسان می‌تواند در ذهن خود چیزی را بیافریند که در جهان واقعی وجود ندارند. همه شکوهمندی بشر و همچنین ویرانگری او از همین‌جا شروع می‌شود. این توانمندی هم به او اجازه می‌دهد با خلاقیت خود جهان را زیباتر و آبادتر کند و همچنین به او امکان دروغ گفتن را می‌دهد. دروغ گفتن به معنی ساختن و گسترش اطلاعاتی که در تناقض با جهان واقعی است. انسان این آزادی را دارد که برگزیند با «اشه» همراه شود یا نشود. انسان این اراده را دارد که نیرو تخیل خود را در راه آفرینش هماهنگ با هستی، طبیعت و ذات انسان صرف کند یا از آن برای ساختن دروغ، خرافات و فریب دیگران استفاده کند. بر این اساس جهان انسان‌ها صحنه رویارویی «راستی و دروغ» است، «راستی» به معنی شیوه‌های کارآمد و درست برای حل مسائل و دست یافتن به خواسته‌ها و دروغ به معنی شیوه‌های ناکارآمد برای فرار از مسائل و رفع کوتاه‌مدت نیازها. پیکار بین «راستی و دروغ» نه نبرد بین دو نیروی همسنگ که نسبت این دو به‌مانند نور و تاریکی است. مردمان از شیوه‌های ناکارآمد برای فرونشاندن امیال خود استفاده می‌کنند چون در ذهن آن‌ها راه بهتری وجود ندارد، چون خرد و آگاهی ذهنی را روشن کند جهل و تاریکی از آن خواهد رفت. بر این اساس اگر جهان امروز ما زیر سلطه نظام‌های ناکارآمد و ناپسامان است دلیل آن عدم وجود پیشنهادی بهتر است که بتواند خواسته‌های همگان را به شیوه

مناسب‌تری برآورده کند.

در باور زرتشتیان برای هر آفریده‌ای در هستی خویشکاری مشخص شده است. انسان تنها موجودی است که در برگزیدن خویشکاری خود آزاد است و خود مشخص می‌کند عمرش را برای انجام چه کاری صرف کند. در این میان زرتشتیان کسانی هستند که «گسترش اشویی» را به‌عنوان خویشکاری خود برگزیده‌اند.

«گسترش اشویی» جنبه‌های گوناگونی می‌تواند داشته باشد، دانشمندی که سعی در شناختن نظم موجود در آفرینش دارد و باعث افزایش شناخت بشر از محیط اطرافش می‌شود به یک نوع دارد اشویی را گسترش می‌دهد، مخترعی که در راستای بهبود زندگی بشر نوآوری می‌کند به نوع دیگر و یا روانشناسی که به آدم‌ها کمک می‌کند با تضادهای خود آشنا شوند و روانی سالم‌تر داشته باشند به شیوه‌ای دیگر در حال افزایش هماهنگی بشر با خود و محیط پیرامونش است.

اما زرتشتیان در کنار آن که می‌توانند این فعالیت‌های گوناگون را به‌عنوان خویشکاری شخصی خود برگزینند یک خویشکاری جمعی نیز دارد. خویشکاری زرتشتیان خوب زیستن است، زرتشتیان این وظیفه را دارند که راه‌های تازه خوشبخت‌تر زیستن را کشف و تجربه کنند و آن را با دیگران به اشتراک بگذارند همچنین خویشکاری جامعه زرتشتیان آفرینش شیوه‌های بهتر و اشوتر همزیستی است. در طول تاریخ نیز همواره زرتشتیان در کنار دیگر فرهنگ‌ها نقش گسترده‌ای در توسعه شیوه‌های همزیستی داشته‌اند و درزمینه دادگری، اخلاق و حکمرانی نوآوری‌های پیشرو بوده‌اند.

فرجام «زرتشتیان»

زرتشتیان اولین کسانی بودند که فرجام‌گرایی تاریخی را مطرح کرده‌اند. این ایده که زمان مفهومی کران‌مند است و خلقت قرار است روزی به سرانجام برسد، اولین بار در متون اوستایی دیده شده است. در این متون از ابتدای خلقت تا پایان هستی به چندین هزاره تقسیم شده است که در انتهای این هزاره‌ها با پدیدار شدن «آستوث اِرتَه» (به معنی مظهر و پیکر اشه) که سوشیانت اصلی و آخرین آفریده است، آفرینش به سرانجام خود خواهد رسید و پس از آن همه جهان سراسر در نیکی خواهد بود و هیچ انسان زنده‌ای نخواهد مرد، همه مردمان دین بهی را برمی‌گزینند و با یکدیگر به دوستی و مهربانی رفتار خواهند کرد.

اگرچه مفاهیمی مانند سوشیانت یا فرارسیدن روز بزرگ در سروده‌های اشوزرتشت (گاهان) آمده است، اما اشاره مستقیمی به فرجام‌گرایی تاریخی وجود ندارد و به‌احتمال زیاد این ایده توسط موبدان پس از اشوزرتشت بسط داده شده است. بررسی درستی یا نادرستی این ایده موضوع بحث این نوشتار نیست، اما ایده فرجام‌گرایی با پیش‌داشته‌های این نوشتار در تضاد است. همان‌طور که بیان شد از نظر ما «آینده» امری نامعین است و از پیش مشخص نشده است.

از طرف دیگر «اشویی» در معنی هماهنگی مفهومی کرانمند نیست و نمی‌توان فرض کرد روزگاری قرار است جهان به کمال هماهنگی و درستی برسد و دیگر بیشتر از آن هیچ رشدی امکان‌پذیر نباشد و درنهایت تاریخ متوقف شود. تا هراندازه که تمدن بشری پیشرفت کند نیاز است تا کسانی آن را بازهم جلوتر ببرند و بر این اساس خویشکاری زرتشتیان را پایانی نیست.

از سوی دیگر نظم و سامانمندی پدیده‌های نادر و شکننده‌ای هستند. آنچه عموماً در طبیعت می‌بینیم پس‌زمینه پهنای نظم و آشوب است که در برخی نقاط آن سیستم‌های منظمی مانند حیات و یا اکوسیستم وجود دارند. این سیستم‌های کمیاب خودسازمان‌ده مانند بدن موجودات زنده یا گیاهان شرایط بسیار شکننده‌ای دارند. آن‌ها برای حفظ نظم بدن خود نیازمندند مدام از انرژی محیط تغذیه کنند. نظمی که دیر یا زود بر اثر یک حادثه یا فرسوده شدن فرو خواهد ریخت و اگر تا آن زمان سیستم نتواند کد ژنتیکی خود که الگو این نظم است تکثیر کند، منقرض خواهد شد.

در طول عمر تمدن بشری نیز سهم کمی از تاریخ متعلق به نظام‌های اجتماعی سامانمند

بوده است. بخش اندکی از جمعیت انسان‌هایی که روی کره زمین زیستند در جوامعی زندگی کردند که سازوکاری کارآمد و عادلانه داشته‌اند. این دوره‌ها به اندازه کمیاپ بودنشان شکننده هستند و بر اثر هجوم اقوام بیگانه یا اختلال درونی در برقراری نظم و یا فرسوده شدن خاتمه می‌یافتند. در طول تاریخ زرتشتیان بارها فرصت یافته‌اند سازوکارهای اجتماعی مقتدری بر پایه اشویی بنا کنند (مانند هخامنشیان و ساسانیان) و اگرچه این دوره‌ها سهم مهمی در پیشبرد تمدن بشری داشته‌اند اما این نظام‌های اجتماعی عمر جاودانه نداشته و درنهایت روزی فرو ریخته‌اند.

باید پذیرفت با این وجود که زرتشتیان وظیفه‌دارند شیوه‌های بهتر زیستن را به مردمان پیشنهاد کنند، اما همان‌طور که اشوزرتشت می‌گوید هر مرد و زن در انتخاب راه راست و دروغ آزاد است و این اراده را دارند که بین راهی که در بلندمدت به سود همگان است و راهی که فرد را در کوتاه‌مدت به سود ناپایداری می‌رساند یکی را برگزینند. بنا بر آنچه شرح داده شد، اگرچه گسترش اشویی به‌مانند برافروختن نور است و همواره بر تاریکی پیروز، اما تاریکی بی‌کران است و فروزان نگه‌داشتن شعله راستی نیاز به پرستاری، پاسبانی و پویایی مداوم دارد. جهان پیرامون ما همواره صحنه کشمکش بین هستی و نیستی، زندگی و مرگ و نظم و آشوب بوده است و خواهد بود، در این میان ما زرتشتیان برگزیدیم که پاسبان زندگی، راستی و اشویی باشیم.

سخن آخر

در بخش آینده این نوشتار که با نام «زرتشتیان و آینده، پراکندگی، تجمع، ارتباط و تفاوت» منتشر خواهد شد بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت که چه سازوکاری جامعه زرتشتیان را کمک می‌کند تا بقای خود را در طول ناملازمات تاریخ حفظ کنند و همچنین به بهترین شیوه آن‌ها را برای پیشبرد خویشکاری‌شان که گسترش اشویی است یاری می‌کند.

چندی پیش نشان دانشگاه امریکن لیبرتی (ALU) به پاس خدمات برجسته فرهنگی و ارتقای هویت ایرانی به بابک سلامتی، مدیرمسوول هفته نامه امرداد اهدا گردید. این نشان در همایش ملی کارآفرینی، تولید ملی و توسعه اقتصادی ۲۴ دی ماه از سوی حمید سلطانی رییس این دانشگاه به ۷ تن ایرانی اهدا شد که کار برجسته ای برای ایران انجام داده اند.

پیشتر از آن هم مجله ی بخارا به مدیرمسوولی علی دهباشی انتشار چهارصدمین شماره ی امرداد را در شی از شب های بخارا به نام «شب انتشار چهارصدمین شماره ی امرداد» گرامی داشت.

بابک سلامتی مدیرمسوول امرداد 19 سال است که با گروهی از دوستداران فرهنگ ایران برای انتشار امرداد تلاش می کنند. امرداد علاوه بر دوهفت هنامه ای که بر روی دکه های روزنامه فروشی به فروش می رسد، یک ماهنامه زرتشتیان هم دارد که همراه با ویژه نامه ای برای کودکان زرتشتی هر ماه برای زرتشتیان فراهم و فرستاده می شود و جدا از این دو نشریه، سایت امرداد نیز ۱۱ سال است که اخبار فرهنگی مربوط به ایران و همچنین اخبار زرتشتیان ایران و جهان را به آگاهی همه می رساند.

از بابک سلامتی می خواهیم درباره ی نشان ALU و علت اهدای آن به امرداد بگویند.

این نشان آنگونه که در برنامه اعلام شد به پاس خدمات برجسته فرهنگی و ارتقای هویت ایرانی به امرداد داده شد.

چرا این نشان را به نشریات مشابه دیگری ندادند؟

گمان کنم نشریه ای که دغدغه ی ایران داشته باشد و پیشینه ی امرداد را داشته باشد نداریم یا دستکم من نمی شناسم. امرداد 19 سال است که از فرهنگ جاودان و اهورایی ایران زمین سخن می گوید، 19

سال با فراز نشیب های پرشمار و با سختی ها و دشواری های بسیار. زمانی که خواهیم از ایران حرف بزنیم بیش از هرچیز باید به این بیندیشیم که از سرزمینی سپند و اهورایی سخن می گوئیم. سروکارمان با یادمان ها و میراث نیاکانی است که چند هزارسال به راستی بر روی این خاک گوهرخیز به کار و کوشش و تولید پرداخته اند. اینکه راه را درست طی کنیم بیش از هرچیز برای ما ارزشمند است. از این رو دشواری پیمایش این راه بیشتر خواهد بود. امرداد نشریه ای ایرانی-زرتشتی است ما می گوئیم با جهان بینی اشوزرتشت به پیرامون خود بنگریم. در این راه تاثیرگذار هم بوده ایم. برخی از اخبار ما توانسته بر روی بخش های مسوول میراث فرهنگی تاثیر گذاشته و جلوی ویرانی و نابودی یادمان های نیاکان مان را بگیرد.

دیگر اینکه امرداد همواره کوشیده است تا به پارسی سره در ویرایش خود اولویت بدهد البته کوشش ما این است که آسان خوانی و روانی متن ها را از دست ندهیم. گمان می کنم مجموعه ی این عوامل باعث شد تا دست اندرکاران نشان دانشگاه امریکن لیبرتی تصمیم بگیرند تا این نشان را به امرداد اهدا کنند.

برای آینده ی امرداد چه برنامه ای دارید؟

امیدواریم بتوانیم روزی امرداد را به رسانه ای چندزبانه که همه ی زرتشتیان جهان را از حال و هوای هم خبردار کند تبدیل کنیم. به باور من تفاوت زبان، زرتشتیان، بزرگترین بحران آینده و حتا امروز جامعه ی زرتشتی است. تفاوت زبان رفته رفته ما را از هم دور می کند. وقتی از هم خبر نداشته باشیم شکاف فرهنگی میان ما زیاد می شود و تا چشم باز کنیم جامعه ی زرتشتی را چند فرقه ای خواهیم دید. این تفاوت میان زرتشتیان ایرانی و پارسی محسوس است. بیم آن می رود که در آینده دسته های بیشتری در میان جامعه ی کم شمار اما بزرگ زرتشتی پدید آید. می گوئیم جامعه ی بزرگ چرا که ما جامعه ای هستیم که تاریخی پررمز و راز را پشت سر گذاشته ایم. تجربه ی از سر گذراندن سه حمله ی بزرگ را در کوله بار خود داریم. ناهربانی های بسیار دیده ایم و مانده ایم. در میان جوامع بشری، همانند ما کم است. پس برای ماندگاری این جامعه ی بزرگ وظیفه داریم بیش از توان مان هر چه بایسته است، انجام دهیم. وظیفه ی رسانه ای امرداد ما را وامی دارد تا آیین ها و فرهنگ زرتشتی را به همه ی زبان های که زرتشتیان در گوشه و کنار جهان با هم سخن می گویند، اطلاع رسانی کنیم. وظیفه ی فرهنگی ما نیز امرداد را به اجرای برنامه های پررنگ شدن هویت زرتشتی و ما می دارد، برنامه های چون «چشواره ی ترانه های زرتشتی» که دو بخش آن را در سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ خورشیدی برگزار کردیم.

این فشرده ای از برنامه ی امرداد برای آینده است اما شوربخانه حال و روز کنونی اقتصاد ایران، آینده را نامعلوم می کند. هزینه ها هر روز بیشتر می شوند در این شرایط فروش امرداد یا هر نشریه ی دیگری با مشکل های فراوانی روبرو است. چرا که در وضعیت بد اقتصادی اولین چیزی که از سبد خرید مردم حذف می شود کالای فرهنگی است چون فراهم کردن نیازهای خوراکی و پوشاک مردم در اولویت قرار دارد و این امروز چالش بزرگ ما در ادامه ی راهمان و رسیدن به آینده است.

در وضعیت کنونی کوشش می کنیم به یاری یارانمان امرداد را حفظ کنیم. هم اکنون حدود 20 تن در امرداد به صورت تمام وقت و پاره وقت مشغول به کار هستند. همکاران امرداد همیشه با فداکاری و ازخود گذشتگی برای آرمان خود که پیشرفت و آبادانی ایران و سرفرازی جامعه ی زرتشتی است کوشیده اند و این مهمترین دارایی ماست. در کنار این فداکاری ها هستند گروهی از خوانندگان که هربار امرداد منتشر می شود چند نسخه

از آن را تهیه کرده و به دیگران هدیه می دهند. برخی از اینها درآمد پایینی دارند اما به اندازه ای والامنش و بزرگواری که حتا ما هم به طور تصادفی از این کار آنان آگاه می شویم. نمی توان این ازخودگذشتگی ها را دید و در برابر مشکلات تسلیم شد. از اینها که بگذریم دهشمندان و آگهی دهندگان نیز از بزرگترین پشتیبانان مالی ما هستند که برایشان دیرزیوی و شادزیوی آرزو مندیم. دهشمندان دو تاثیر را بر امرداد دارند. نخست که با دهش خود مشکلات مالی ما را حل می کنند و دیگر آنکه به ما دلگرمی و نیرو می دهند. اینکه برای تندرستی عزیزشان نذر خود را به امرداد می دهند یا به نامگانه ی درگذشته ای و برای شادی روان او مبلغی به امرداد دهش می کنند، بسیار امیدآفرین و نیرودهنده است. افزون بر اینها ساختمانی که امرداد فعلا در آن واقع شده است از سوی پسر روانشاد جمشید جاماسیان برای انجام کارهای فرهنگی اهدا شده است که امرداد هم فعلا از آن بهره می برد. به روان جمشید جاماسیان درود می فرستیم و از فرزند ایشان کیخسرو کیانی پور سپاسگزاریم که این ساختمان را برای انجام کارهای فرهنگی دهش کرده اند. امرداد در هر ماه حدود 30 میلیون تومان هزینه دارد، هزینه های که اجتناب ناپذیر است. گاهی روزگار بر ما بسیار سخت می شود و گمان می کنیم که به پایان خط رسیده ایم، اما همینکه به پشت سرمان نگاه می کنیم، همکاران فداکار، دهشمندان نیکوکار و خوانندگان سخاوتمند را به یاد می آوریم، امیدمان برای ادامه ی راه چند برابر می شود، اینها از مهر یزدان است. مرور خاطرات دست ما را برای تسلیم شدن می بندد و راهی جز گذر از مشکلات و رسیدن به آینده نمی گذارد. امیدوارم خداوند ایران در این راه همچون همیشه پشتیبانمان باشد. ایدون باد



مجمع جهانی ادیان، دین و آیین زرتشتی، زرتشتیان و سازمان ملل پیشرفت و پیروزی در سایه احترام و همکاری برگردان: سروش سروشی

دکتر خسرو اسفندیار مهر
برگردان: سروش سروشی

دارند که عامل مشکلات کنونی بین اقوام و ملت ها می باشد. از زمان تاسیس سازمان ملل تاکنون شرایط حاکم بر جوامع عوض شده است و سازمان ملل باید برای حفظ اهداف اولیه و متعالی خود، خود را با شرایط جدید زمانه منطبق نماید. با توجه به مطالب بالا یک دادخواست به وسیله سازمان زرتشتیان شمال آمریکا فرانا و رهبران جوامع سیک در مجمع مذاهب جهانی که در روزهای ۱۹-۱۵ اکتبر سال ۲۰۱۵ برگزار شد تدوین گردید تا حمایت کند از ایجاد بازوی مذهبی در سازمان ملل تا به نیازهای امروزی ما رسیدگی کند که شامل احترام، حمایت و تدوام حق هر فرد جهت داشتن زندگی مسالمت آمیز می باشد.

بنابراین، ما با امضای این دادخواست محترمانه از سازمان ملل درخواست می نمایم تا این دادخواست جهانی و حیاتی که لازمه زمان کنونی است را حمایت کند. جهت دیدن دادخواست و حمایت از آن با انتخاب ازادانه خود به صورت رایگان به وبسایت WWW.FEZANA.ORG مراجعه کنید و در قسمت بالای صفحه به روی دکمه مربوط کلیک کنید تا شما را به صفحه مخصوص درخواستنامه بردارند که این دادخواست بهای کافی داده شود، می تواند یک جنبش جهانی راه ایجاد کند و باعث تأثیرگذاری مثبت و سازنده در نقاط مختلف جهان شود. ما آگاه بر این هستیم که سازمان ملل قوانین مخصوص به خودش را دارد که تاکنون همگی از آن پیروی کرده ایم. زمانی که این درخواست نامه به نتیجه برسد و مورد تأیید قرار بگیرد، می تواند یکی از بزرگترین درخواست نامه هایی باشد که توسط جامعه زرتشتی در این سطح به وجود آمده است.

هنوز موانع زیادی برای تحقق آن وجود دارند اما این دادخواست نامه با حمایت روز افزون مردم از جوامع مختلف بشری و ادیان و مذاهب سراسر جهان قوی تر می شود. اینها مردمانی هستند که به نیاز زمانه ما برای داشتن جهانی با صلح پایدارتر و درک متقابل بهتر جوامع باور دارند و می خواهند جهانی با کیفیت بهتر و برتر برای بازماندگان خود به جا بگذارند.

با احترام به شما خوانندگان ارجمند ای نوشتار یادآوری می نمایم که جدای از دین و مذهبی که به آن اعتقاد داریم. همه ما انسانیم و به خانواده بزرگ انسانیت تعلق داریم.

است خود و فرزندانمان در جامعه جدید حل شوند ممکن است رفتارهای غیر معمولی را از خود نشان دهند و در این مسیر استرس و فشار زیادی را متحمل می گردند و اغلب این افراد نمی توانند با شرایط و محیط جدید هماهنگ شوند و همواره در حال تضاد در روابط اجتماعی و قوانین جدید هستند.

حدود ۲۵ سال پیش در نوشتاری با عنوان دهکده جهانی و یا جزایر تنهایی به موضوع تکنولوژی پرداختم و اکنون هم در این نوشتار تکنولوژی جای خود را به انسانیت داده است اما همان استعاره وجود دارد. در آن نوشتار من به این موضوع پرداختم که اگر صنعت مخابرات و اینترنت که قابل پیش بینی بود که به شدت رشد کند در راه صحیح و نیکو استفاده نشود و نتواند پلی بسازد بین جوامع مختلف انسانی در نقاط مختلف جهان، آن پیشرفت می تواند جزیره های تنهایی زیادی را به بار آورد و در جوامع مختلف و کشورهای عضو سازمان ملل جدایی و انزوای بیش از پیش و روز افزونی را ایجاد کند که ان اتفاق می تواند فاصله بیشتری بین کشورهای پیشرفته جهان اول مانند آمریکا، کشورهای اروپایی و ژاپن و اکثر کشورهای دیگر عضو سازمان ملل که جهان دوم و سوم دسته بندی می شوند ایجاد کند. ما از آن زمان شاهد فاصله روز افزون بین کشورهای پیشرفته و بقیه کشورها و ایجاد شکاف بین غنی و فقیر بوده ایم. همین روند بار دیگر دارد تکرار می شود اما این بار به جای تکنولوژی، مذهب بانی این روند است.

ما همه می دانیم که دین زرتشتی بر مبنای صلح، آبادانی، شادی، آزادی انتخاب و احترام به بشریت است. با نگاهی به گذشته متوجه می شویم که سازمان ملل موارد مربوط به مذهب را یا حذف کرده است یا در نظر نگرفته است و در اساسنامه خود به این دلیل که این سازمان غیرمذهبی است و برای در نظر گرفتن موارد مذهبی پایه گذاری نشده است از زمان بنیادش در سال ۱۹۴۸ تمامی مسایل و مشکلات جهانی را که ریشه در دین و مذهب دارند را در نظر نگرفته و کنار گذاشته.

اکنون که پس از ۷۵ سال از بنیاد سازمان ملل متحد می گذرد و هیچ گونه تغییر و بازنگری چشمگیری در اصل منشور داده نشده است.

جهان دستخوش تغییرات بوده است و طی ۷۵ سال گذشته و همانگونه که می بینیم، تضاد های بزرگی در جهان به وجود آمده است به خصوص در خاورمیانه که اغلب ریشه در مذهب دارند. به همین دلیل اساسی و بنیادین چند تن از همکیشان زرتشتی در کنکاش ادیان بین الملل در شهر سانت لیت سیتی در ایالت یوتا در سال ۲۰۱۵ با توجه به این حقایق به فکر پیشنهاد دادن به سازمان ملل افتادند تا با در نظر گرفتن روند اخیر، حل و فصل مسایل مذهبی را هم در اساسنامه خود قرار دهد. این نظریه با صاحب نظران ادیان دیگر هم مطرح شد و به همراه اعضای کنکاش به گرمی پذیرفته شد تا نظر سنجی عمومی شود و هر کسی در هر جای دنیا که به صلح و رفاه برای تمامی بشر اهمیت می دهد شانس این را پیدا کند که نظر خود را به دفتر سازمان ملل اعلام کند.

همانطور که همه می دانیم دین و آیین ما برگرفته از یک مجموعه باورهایی است که ریشه در خرد و انسانیت دارد و تا بشریت زنده است دین و آیین ما همیشه تازه و پایدار خواهد ماند. از این رو، مسایل ساده ولی بنیادی در این درخواست نامه رسمی ریشه های عمیقی در باورهای زرتشتی دارند و از این جهت ما درخواست نامه را بر این اساس پیش نویسی کردیم.

بازوی ادیان سازمان ملل برای صلح و آرامش جهانی به ما پیوندید تا به سازمان ملل کمک کنیم تا صلح و امنیت جهانی برقرار شود. درخواست نامه برای تاسیس بازوی ادیان سازمان ملل دبیر کل سازمان ملل متحد

این حق ما اعضای خانواده بزرگ بشریت است تا در جهانی بهتر و با صلح بیشتر زندگی کنیم. که این خود از اهداف مهم سازمان ملل است. بسیاری از تضادها که باعث ایجاد تراژدی های بزرگ در زندگی انسان های بیگانه در سراسر جهان می شوند، ریشه در تفاوت عقاید و باورها

گروه کوچکی از همکیشان زرتشتی به رهبری فرانا و با همکاری چندی از رهبران زرتشتی پیشگام شده اند تا تضادهای روزافزون منطقه ای و بعضا جهانی را مورد توجه قرار بدهند. همانطور که می دانیم سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۱ میلادی بنیاد نهاده شد و پس از چهار سال متن مقدماتی منشور سازمان ملل که به روشنی هدف از بنیان این مجمع جهانی را به عنوان بالاترین مرجع جهت نظارت بر روابط بین اعضا با آرزوی برقراری جهانی بهتر برای تمام کشورهای عضو این سازمان و ملت های این نهاد جهانی از نظر صلح، شکوفایی و ترقی مطرح می نماید، آماده شد و در سال ۱۹۴۵ این متن مقدماتی منشور سازمان ملل نهایی گشت و به تأیید و امضا کلیه اعضا رسید.

با توجه به اینکه ما در چند دهه گذشته شاهد تضادهای بزرگ در نقاط مختلف دنیا بوده ایم که مستقیم و یا غیر مستقیم به مذهب و یا عقاید شخصی مربوط بوده که این برخلاف تضادها و جنگ هایی است که در قبل از تاسیس سازمان ملل و حتی دهه اول بنیاد آن که بیشتر به علت گسترش قلمرو و سلطه بر مردم دیگر کشورها بوده است و کمتر ریشه در مذهب داشته است.

در ۴۰ سال گذشته این تغییرات نگرش جهانی و تضادهای مذهبی با عث مهاجرت میلیون ها مردم بیگانه از سرزمین های اجدادی خود شده است و این اقدام فشارهای بزرگی را به محدود کشورهای مهاجر پذیر که برای اهداف انسان دوستانه اقدام به پذیرش آوارگان کرده اند وارد کرده است.

ما شاهد افزایش این مهاجرت های بزرگ و گروهی در دو دهه اخیر بوده ایم که هدف آنها دستیابی به یک زندگی بهتر و امن تر در جامعه ای آزاد و دور از تبعیض نژادی و دینی بوده اند که حق و از نیازهای اولیه و اساسی هر انسانی است و قابل احترام است. اما از طرفی جامعه های مهاجرپذیر که اغلب از یک بافت اجتماعی و فرهنگی متفاوت از مهاجران برخوردارند، دستخوش مشکلاتی از جمله عدم آمادگی پذیرش حجم بالای مهاجران و عدم پذیرش رفتار و فرهنگ جدید می شوند و از انطرف هم مهاجران و پناهندگان به سختی می توانند خود را با فرهنگ و عرف جامعه جدید وفق دهند و با این ذهنیت که ممکن

ده سال برگزاری گهنبار در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

منیژه اردشیری

گهنبارها بیش از ۵۰۰ نفر در آن شرکت می‌کنند که از تمام زرتشتیان ایرانی دنیا که در این مراسم شرکت می‌کنند بیشتر می‌باشند که جای بسی خشنودی است. مراسم گهنبار به گونه دیگر در تورنتو کانادا انجام می‌شد ولی از سیاتل، ساکرامنتو و نیکورور کانادا تماس گرفته و چگونگی شروع آنرا سوال نمودند و هم اکنون در این شهرها هم برگزار می‌شود در بسیاری دیگر از ایالت و شهرهای دیگر هم خوشبختانه اجرا می‌شود. تا به امروز از محل دهش‌های در حدود ۱۰،۰۰۰ دلار وسایل از جمله یخچال، گاز، آب سردکن و سایر وسایل آشپزخانه برای مرکز زرتشتیان تهیه شده که مورد استفاده همگان در بقیه مراسم هم می‌باشد.



که این مراسم رادر اینجا برگزار کنم و به این دلیل بود که ده سال پیش با حدود ۲۰ خانواده زرتشتی تماس گرفتم و از آنها درخواست کردم که با هزینه خودمان این مراسم را به این صورت اجرا کنیم که شب پیش از گهنبار به مرکز آمده و با کار گروهی و همبستگی خوراک را برای روز بعد به صورت داوطلبانه آماده کنیم از آنها خواستیم که تمام هزینه را همیشه باید خودمان بپردازیم، همگی آنرا با دل و جان قبول کردند. خوشبختانه روز به روز انظرمالی و همکاری با استقبال و حمایت مردم روبرو شدیم بطوریکه با کمتر از ۱۰۰ نفر شروع کردیم و در حال حاضر در بعضی از



البته مانند تمام کارهای اجتماعی اختلاف نظر هایی وجود دارد ولی به خاطر حمایت و محبت های بیکران و خالصانه مردم تأثیری در اجرای این مراسم نداشته است. بسیاری از دهش کنندگان و کسانی که در این راه مارا یاری می‌کنند از هفته ها قبل به صورت داوطلبانه برای تدارک و تهیه مواد هماهنگ می‌شوند که شایان افتخار و قدردانی می‌باشند. پس از ده سال نتیجه بسیار عالی و با ارزش از کار گروهی برای بسیاری از همکیشان بخصوص جوانان داشته است. همچنین از مزایای آن شناخت بهتر همدیگر، طرز رفتار با دیگران، کسب تجربه های جدید از یکدیگر و ایجاد دوستی های جدید بوده که ارزش فراوان دارد. امیدوارم همگی تا جایی که در توان داریم در این راه کوشا و پایا باشیم.



به مناسبت دهمین سالگرد برگزاری گهنبار در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا به صورت کار گروهی برآن شدم که انگیزه و چگونگی آن را برای عزیزان توضیح دهم. کلمه گهنبار از دو کلمه گاه و انبار تشکیل شده و هنگامی که محصولات را برداشت می‌کردند در شش چهره گهنبار قسمتی از آن را دهش می‌نمودند، از این رو در قدیم زمینی را وقف اینکار (زمین وقفی) می‌کردند که معمولاً وقف نامه ای دارد که در آن ذکر شده در کدام روز و کدام چهره این گهنبار خوانده شود. از درآمد آن بستگی به بزرگی و کوچکی زمین، با مهمانی بزرگ و یا مهمانی کوچک دهش می‌شود. این زمین‌ها هیچوقت فروخته نمی‌شود و فرزندان آنها نسل به نسل اینکار را انجام می‌دهند. هدف از آن گردهمایی مذهبی، کار گروهی، همبستگی بدون در نظر داشتن اختلاف طبقاتی و داد و دهش است. امروزه که بیشتر همکیشان به خارج از کشور مهاجرت نموده اند و وابستگی در ایران ندارند که این کار را برایشان انجام دهند مجبورند خود به ایران بروند و گهنبار را در آنجا برگزار کنند که کاری بسیارمشکل می‌باشد. جناب موید رستم ثالث طی نامه ای که به کنکاش مویدان تهران نوشت و از آنها پرسید: آیا می‌توان این گهنبارها را در محل دیگری برگزار نمود؟ آنها هم طی نامه ای موافقت خود را اعلام کرده بودند که خیلی بهتر است در هر جای دنیا برگزار شود تا این مراسم از بین برود. چهارده سال پیش که به امریکا مهاجرت کردم در مرکز زرتشتیان جنوب کالیفرنیا گهنبار فقط با حضور ۵-۶ نفر و با اوستا خوانی روانشاد موید بهرام شهزادی برگزار می‌شد، البته قبل از آن به صورت سفره همگانی برگزار می‌شده. با توجه به علاقه خاصی که به گهنبار های شریف آباد یزد داشتم و متأسفانه سعادت شرکت در آنها برایم زیاد میسر نبود بر آن شدم



آگهی

- گروه هنر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا مسابقه نقاشی نوروز به نام "نوروز را دوست داریم" را برای افراد ۶ تا ۱۸ سال برگزار می نماید.

- گروه هنر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا مسابقه عکاسی جشن سپندارمزدگان و نوروز را برگزار می نماید.

- مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از همه همکیشان درخواست می نماید که هموندی خود را با پر کردن پرسشنامه از راه کامپیوتر یا با تماس گرفتن با دفتر مرکز زرتشتیان انجام دهند. مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برای همفکری و مشاوره در اجرای پروژه و کارهای ساختمانی مرکز از جمله باز سازی نیایشگاه به خدمات کارشناسی در زمینه معماری و ساختمان نیازمند است. لذا بدین منظور و برای تشکیل گروه ساختمان از کلیه دوستانی که دارای تخصص و تجربه کافی بوده دعوت به عمل می آید. امیدواریم که ما را در راه پیشبرد اهداف و اجرای هر چه اصولی تر کار های مرکز پشتیبانی و آمادگی خود را برای یاری رسانی به آگاهی مرکز برسانید.

- گروه کر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از علاقمندان دعوت به شرکت می نماید.

- گروه برگزار کننده کنگره جوانان زرتشتی که در ماه جولای ۲۰۱۹ برگزار می شود از همه علاقمندان دعوت به همکاری می نماید.

پرسه

- پرسه روانشاد بانو منیژه دبو روز شنبه ۲ فوریه در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار شد.

- پرسه روانشاد دکتر بهرام مهربان پرتوی پسین روز شنبه ۲ فوریه در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا واحد لس آنجلس برگزار شد.

- درگذشت این روانشادان را آرامش باد گفته شادی روان آن زنده یاران و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم

دهشمندان

دکتر تیرانداز گشتاسی ۱۰۰ دلار برای بازسازی نیایشگاه

بانو گوهر بهدادنیا ۵۰۰ دلار

آقای مرتضی نصری ۱۰۰ دلار

آقای مهربان یزدانی بیوی ۳۳۰ دلار

آقای رستم بهی کیش ۷۰ دلار

آقای هرمز و بانو شهرزاد عزتی ۳۳۳ دلار

بانو تهمینه هرمزان ۵۰ دلار

بانو پروین دشتکی ۱۰۱ دلار برای چهره نما

- شاهنامه خوانی با دکتر چایچی بامداد یکشنبه ها درسالن مروارید گیو مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار شد.

- مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و فرزانا آمادگی خود را برای یاری رسانی به زرتشتیانی که به علت آتش سوزی کالیفرنیا نیاز به کمک و یاری داشتند اعلام کردند.

- سخنرانی دکتر اردشیر انوشیروانی در مورد خانواده و آموزش و پرورش کودکان ۱۱ بامداد یکشنبه ها درسالن مروارید گیو مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار می شود.

- رادیو ۶۷۰ با همکاری مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برای بیماران بیمارستان کودکان شهر لس آنجلس بازیچه نو و کادو نشده، گیفت کارت، پتو و جامه گردآوری نمود.

- کهن آیین شب چله این یادگار دیرین را مرکز زرتشتیان کالیفرنیا (اورنج کانتی) با برنامه



های شاد و هنری از ساعت ۷ پسین روز شنبه ۲۲ دسامبر جشن گرفت.

- گروه بانوان آیین درگذشت اشوزرتشت را در روز شنبه ۲۹ دسامبر ۲۰۱۸ از ساعت ۳ پسین در تالار مروارید گیو مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار نمود.

- گهنبار چهره میدیارم گاه که جشن میان زمستان است به گونه همگانی ۱۱ بامداد روز یکشنبه ۶ ژانویه ۲۰۱۹ در مرکز برگزار شد. در این روز خوراکی های فاسد نشدنی مثل غذای کنسرو شده یا خشک گردآوری شد.

- جشن سده روز شنبه ۲۶ ژانویه از ۶ پسین همراه با آتش افروزی و برنامه های شاد در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار شد.

- کمپ زمستانی گروه آموزش مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در روز شنبه ۲۳ فوریه از ۲ پسین برای کودکان ۸ تا ۱۳ سال در مرکز برگزار شد.

- گروه بانوان جشن سپندارمزدگان را همراه با برنامه های شاد در روز ۱۶ فوریه ۲۰۱۹ از ساعت ۶ پسین در سالن مروارید مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار نمود.

- پرسه های همگانی اورمزد و اسفندماه برای گرمی داشت جانباختگانی است که در تاخت تازیان (یورش عرب ها) به ایرانیان جان سپرده اند. به فراخور پرسه همگانی اورمزد و اسفندماه پنج شنبه ۱۴ فوریه ۵ پسین موبد اوستاخوانی نمود.

- گروه زندهاداران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا نشست همگانی هموندان که هرساله در ماه فوریه برگزار می شود را در روز یکشنبه

۱۰ فوریه ۲۰۱۹ از ۲-۵ پسین در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار نمود. در این نشست گزارش مالی سال ۲۰۱۸ داده شد و همچنین گروه نگرش بر گزیدمان گروه مدیران مرکز برگزیده شدند.



داوطلبان گرامی می توانند مشخصات خود را به ایمیل info@wzycongress.org ارسال یا بهر صورت آنلاین فرم را پر نمایند.

با درود، همانگونه که آگاهی دارید گزینش انجمن مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا شاخه اورنج کانتی در تاریخ ۱۹ می برگزار می شود. از اینرو گروه نگرش بر گزینش از شما هموند ارجمند فراخوانی میکند که روز یکشنبه ۱۹ می از ۱۱ بامداد در Hazard Ave, Westminister, CA 92683

گرد هم آمده و به نامزدهای دلخواه خویش رای دهید دلبستگان به نامزد شدن برای هموندی در انجمن مدیران میتوانند به هموندان گروه نگرش تا ۴ می ایمیل بزنند election@czc.org

شرایط انتخاب شوندهگان

زرتشتی بودن و دلبستگی به دین بهی

در حال حاضر هموند مرکز بوده و دست کم یک سال هموند مرکز زرتشتیان کالیفرنیا باشید

داشتن دست کم ۲۵ سال

شرکت داشتن نامزد انتخابات در روز گزینش مگر با پذیرش گروه نگرش

شرایط انتخاب کنندگان

دست کم سه ماه پیش از روز گزینش هموند مرکز بودن

رای دادن حضوری و یا از طریق پست

داشتن دست کم ۱۸ سال

روش های رای دادن

هموندانی که می خواهند با پست رای دهند تا ۳۰ اپریل خواسته خود را از طریق پست

الکترونیکی و یا با تلفن به دفتر مرکز زرتشتیان 7148934737

با گروه نگرش در میان بگذارید. اگر پس از دو روز با شما تماس گرفته نشد دوباره درخواست خود را با تلفن و یا ایمیل اعلام دارید

رای نامه ها در تاریخ ۵ می به شما فرستاده خواهد شد. فرصت برای فرستادن رای از طریق پست تا ۱۵ می می باشد. رای پستی شما در روز انتخابات باز خواهد شد.

هموندانی که می خواهند رای خود را در روز رای گیری به صندوق بیندازند می توانند روز یکشنبه ۱۹ می تا یک ساعت پیش از شمارش رای ها در مرکز زرتشتیان در شهر وست مینستر این کار را انجام دهند. خواندن رای ها از ۱۲ نیمروز آغاز خواهد شد.

از همه هموندان جنوب کالیفرنیا درخواست میشود که در این انتخابات شرکت نمایند بر پایه بنیادنامه مرکز چنانچه در روز انتخابات (۱۹ می) شمار همکیشان شرکت کننده

تراست مروارید گیو ۸۰۰ دلار برای چهره نما
بانو میترا زارع زاده نوروزی ۱۰۰ دلار
بانو شیدا انوشیروانی ۵۰۰ دلار برای کمک به کتابخانه
بانو پروین مهداد ۱۰۱ دلار
آقای داریوش مرزبان ۲۰۰ دلار
پروفیسور سروش و بانو شیرین سروشیان ۱۰۰۰ دلار
آقای شاه جهان کسروی ۱۰۰ دلار
آقای اردشیر هرمزیاری ۵۰ دلار
آقای شهرام راوری و بانو هدیه کامکار ۱۵۰۰ دلار
آقای شهریا زمردی و بانو شکوفه بلندیان ۱۰۰۰ دلار برای کمک به نیازمندان
آقای هوشنگ و گلرخ سیروسی ۳۰۰ دلار
آقای داریوش جهانیان ۱۰۰ دلار برای چهره نما
آقای یدالله و بانو فیت محمودزاده ۱۰۰۰ دلار برای گروه آموزش
بانو لاله شهریار دو عدد نیمکت به بهای ۳۵۰ دلار
آقای کاوه تهرانی ۲۳۳ دلار

اوستا خوانی

بانو هما امانی ۲۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد بهمن کاووس امانی
بانو پریخ کیهانی ۱۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد اردشیر خداداد کیهانی
بانو گلنار امانی یزدی ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد بهمن کاووس امانی
آقای فرزین نوروزی ۲۰۲ دلار اوستا خوانی برای روانشاد منوچهر خداداد نوروزی
آقای رامین امانی ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد بهمن کاووس امانی
بانو پروین فروهر ۱۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد تابنده همتی
آقای هرمز جاودانی ۲۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد دکتر شروین بهروزیان
بانو ایراندخت جهانیان ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد دکتر هما گل فریدون
بانو پروانه نمیری کلانتری ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد آبدان رشید ضیا طبری
آقای رامبد امانی ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد بهمن کاووس امانی
بانو مهین رشیدی تفضلی ۳۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد بانو فرنگیس نوشیروانی، جمشید خدامراد رشیدی
بانو گوهر بهدادنیا ۱۲۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد دکتر حسن بهدادنیا
بانو پردخت کامبار ۱۰۲ دلار اوستا خوانی برای روانشاد فرنگیس منفرد غیبی
آقای سهراب و بانو سیمین خدیوی ۱۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد افلاطون سروشیان

بانو همایون خسروی ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد شاهپور بابکان
بانو پوران کمدار ۲۵۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد شاه جهان کمدار
آقای بیژن شایسته ۵۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد اسفندیار داراب شایسته

برگزار کننده های کنگره جوانان زرتشتی به یاور نیاز دارند
گروه جوانان در ماه ژوئیه ۲۰۱۹ میزبان کنگره جهانی جوانان زرتشتی است.
با توجه به نهایی شدن برنامه اولیه ما نیاز به یاری شما در قسمت های تدارکات، برنامه ریزی برای برنامه های اصلی و جانبی کنگره، پشتیبانی و حمل و نقل، جمع آوری پول و تبلیغات و فروش بلیط داریم
برای اطلاعات بیشتر به سایت <http://wzycongress.org> مراجعه نمایید.

به اندازه نیم به افزای یک (۱+۵۰٪) از هموندان مرکز نباشد انتخابات به دور دوم که کمتر از یک ماه از تاریخ (۲ جون) میباید خواهد افتاد و در آن روز با هر تعداد انتخاب کننده، انتخاب برگزار خواهد شد بشود که در سایه هماندیشی، همیاری و دوستی جهان بهتری برای بهره برداری خویش و فرزندان خود پایه ریزی نمائیم

گروه نگرش بر گزینش

شهریار افشاری، جهانگیر گشتاسبی، مهناز دینیاری، فریبا پیرغیبی، ماندانا پیشدادی



اخبار لس آنجلس

پرسه

پرسه روانشاد منیژه فرخنده سلامت روز شنبه ۵ ژانویه در مرکز زرتشتیان لس آنجلس برگزار شد.

پرسه روانشاد پریچهر فرین سروشیان روز شنبه ۱۲ ژانویه در مرکز زرتشتیان لس آنجلس برگزار شد.

پرسه روانشاد دکتر بهرام پرتوی روز شنبه ۲ فوریه در مرکز زرتشتیان لس آنجلس برگزار شد.

دهشمندانی که به انجمن زرتشتیان لس آنجلس دهش نمودند

بانو مهربانو بوستانی	۶۰۰ دلار	بنامگانه همسرشان
روانشاد شاهپور سپهری	۲۲۰۰ دلار	برای خرید کانتینر
پریبزر و ماهرخ نامداری	۱۰۱ دلار	بنامگانه روانشاد
بانو میترا مرادپور	۲۰۰ دلار	بنامگانه روانشاد
بانو پری گیو	۱۰۰ دلار	برای گهنبار
مهربان بهرام زرتشتی	۲۰۰ دلار	برای گهنبار
آقای پریبزر نامداری	۱۲۰ دلار	برای گهنبار بنامگانه
بانو پریبزر فیروزگر	۱۰۰ دلار	برای گهنبار
بانو مهناز ایرانی	۱۰۱ دلار	برای سال پدرشان
آقای رضا بیژن ایرانی		
روانشادان اشرف و جمشید بیژن		
آقای فریدون آبتین		
بانو پروانه رییس پارسى		
شادروان بهمن رییس پارسى		

مهناز و بهرام ایرانی
بزرگشان شادروان بهمن رییس پارسى
برای سال پدر ۱۰۱ دلار

همکیش ارجمند با درود فراوان به شما و خانواده محترمتان :

با احترام به آگاهی می رساند که انجمن زرتشتیان آریزونا به همت همکیشان عزیز دوازدهمین سال تاسیس خود را سپری می کند. در سال ۲۰۰۷ میلادی این انجمن به عنوان یک سازمان غیر انتفاعی به ثبت رسیده و طبق قانون دولت ایالات متحده آمریکا از شماره مالیات برخوردار گردید.

این انجمن به هدف حفظ و همبستگی زرتشتیان و احیای دین بهی در خارج از کشور عزیزمان ایجاد شده است. بر این اساس می کوشد که با برگزاری جشنها و مراسم دینی و در راستای پیشبرد اندیشه های آیین زرتشتی این دین کهن و انسان ساز را برای آیندگان به ویژه نسل جوان کنونی دور از وطن، نگهداری و به میراث گذارد.

در سالهای نه چندان دور تا به حال دهشمندان بسیاری با کمکهای بی دریغ خود چه با وقف بناهای متعدد و چه از نظر مالی موجبات حفظ و آسایش ما زرتشتیان امروز را فراهم آورده اند که درود بی پایان بر این بزرگواران باد.

از این رو انجمن زرتشتیان آریزونا بر آن است که با فراهم نمودن بنایی به عنوان آدریان(دریمر) در این ایالت راه نیاکانمان در خدمتگذاری به آیندگان همکیش را ادامه دهد. برای رسیدن به این هدف والا این انجمن نیازمند همیاری و کمک شما دهشمندان گرامی بوده و خواستار حمایتتان می باشد.

شایان ذکر است که بر اساس قوانین دولت آمریکا دهش های شما به انجمن زرتشتیان آریزونا معاف از مالیات بوده و رسید آن توسط این سازمان برای خیر اندیشان گرامی ارسال خواهد شد. انجمن زرتشتیان آریزونا با افتخار تمایل دارد که در صورت پرداخت هزینه های مرتبط با خریداری و ساخت آدریان(دریمر)، ساختمان را بنامگانه خیراندیش بانی آن نامگذاری نماید.

دهشمندان گرامی می توانند کمک های خود را از روشهای زیر به دست انجمن زرتشتیان آریزونا برسانند:

الف- واریز به حساب پس انداز بانکی انجمن
Account No. 004379361081 Bank of America

ب- ارسال چک به آدرس انجمن.

Arizona Zoroastrian Association
P.O. BOX 15603
Scottsdale, AZ 85267

جهت هرگونه ارتباط می توانید با شماره تلفن و ایمیل ما تماس حاصل نمایید.

باسپاس

انجمن زرتشتیان آریزونا

اعضا هیات مدیره انجمن زرتشتیان آریزونا

آتریا خادمی، آرش توانایی، خدابخش پولادیان، آرمین توانایی، سهراب نمیرانیان

California Zoroastriann Center
8952 Hazard ave
Westminster , Ca 92683

Non-profit Org
U.S. Postage
PAID
Permit No. 12300
Huntington Beach, CA 92647

Chehreh Nama

Publication of California Zoroastrian Center
Perseus and Iran



Precise Iranian Calendar

WWW.ezejournal.org
Issue No. 189
March 2019

Editor's note :

As we end another Iranian Calendar year and approach our glorious Nowruz celebration on the first day of spring March 20th, 2019 I was once again reminded that we have much more to do as the messengers of Zarathushtra.

With his beautiful universal message that has no bounds and doesn't single out a sect, gender or group I have sadly seen current day prejudices in places and from people I least expected. People in positions of influence who can be a community member, leader, teacher or an activist voicing their unfounded beliefs that if you are not born to Zoroastrian parents you cannot become part of this community and you can do whatever you want in the privacy of your home but we don't recognize you as one of us.

There is absolutely no foundation for this thought process in the Zoroastrian religion. It may have been acceptable to understand that historical persecutions led to this frame of mind in the past but it cannot be rationalized in today's society. There is not a shred of evidence in documents that have reached us today from our founder himself to condone this mentality and we must all use our Vohumana and wisdom to think before we speak. As wrong words spoken before a young crowd of enthusiasts could have life lasting effects.

May we all choose to sanction superstition and old stigma and promote the essence of Zarathushtra's message in the coming spring. Happy Nowruz

*Ushka,
Fariha*



Book Introduction: This fantasy story is about a Zoroastrian boy named "Paridun" who through a series of adventures finds Asha
Available on Amazon

Graphic Designer
Kevin Yektahi

Awarded for best director and best movie in Iran animation festival (2010)
* Business Cards & Logo Design
* Letter Heads & Brochure Design
* Photographer
* E-mailer Design or Banner Design

Email: kevinyektahi@gmail.com
Tel: 949 2787675



California Zoroastrian Center
8952 Hazard Ave Westminster, CA 92683
Chehrenama's Email :
cninfo@czcjournal.org
Tel : (714)893-4737
Fax: (866)741-2365
czc publication's website :
www.czcjournal.org



You can now donate online to any czcpublication go to :
www.czcjournal.org and the bottom of the page you will see following
please consider donating to chehrehnama

Thank you
CZC will send you IRS accepted receipt for any amount of donation

Graphic Design & typesetting :
Kevin Yektahi
Internet :
Ramin Shahriari

Editorial Policy :

The opinions expressed in articles we publish are those of the authors , and may or may not represent the views of the Editorial Board of Chehrehnama, or the Board of Directions of CZC
Chehrenama is a quarterly publication published in March, June, September and December

This publication is printed with the help of donation from Morvarid Guiv Trust

Professor Insler received his B.A. from Columbia University (1957), did postgraduate studies at the University of Tübingen (1960–1962), did research at the University of Madras, and received his Ph.D. from Yale University (1963) at which time he became a member of its faculty. He later became the Salisbury Professor of Sanskrit & Comparative Philology in Yale's Department of Classics; chaired the Yale Department of Linguistics (1978 –1989); and became Professor Emeritus of Linguistics upon his retirement in 2012. Professor Insler was a world renowned scholar of ancient Indo–Iranian languages and texts, and in fact, one of his insights is enshrined in Indo–Iranian linguistics as "Insler's Law". He was widely published, and was a member of many professional societies. He will be greatly missed by his friends and colleagues.



Celebrating Dr. Stanley Insler (1937 – 2019)

by Dina G. McIntyre

Professor Stanley Insler, a giant in the field of Gatha studies (among other fields), departed this life on January 4, 2019. His life is worth celebrating. His 1975 translation of the Gathas -- widely recognized as a modern standard -- opened up a whole new universe of Zarathushtra's ideas, like fireworks in the mind. For this, I will always be grateful to him. His translation decisively counters those (academicians) who expressed the opinion that so 'primitive' a society could not have produced such lofty thoughts.

Professor Insler had a great sense of humor. He was often kind and generous with his knowledge which he shared with Zoroastrian communities by lecturing on Zarathushtra's teachings throughout the USA, India, and Europe. He spoke at the First Gatha Colloquium in 1993, held by the World Zoroastrian Organization (WZO) in England, and at many of the WZO's Summer Seminars, during which he developed a warm friendship with many in the audience. At WZO's 25th Anniversary Celebrations, Professor Insler was awarded the honor of being made a Fellow of the World Zoroastrian Organization for his extensive and on-going contributions to the knowledge and understanding of Zarathushtra's teachings.

In a middle aged search for my roots, I tried to learn Zarathushtra's teachings by reading available literature. I was struck by the wide diversity of views - so much of it simply expressing opinions, unsupported by evidence.

Yet we are so lucky! We are among the few religions of the world, who have our founder's own words.

Professor Insler's translation of the Gathas brings us Zarathushtra's own words. His translation is both

insightful, and linguistically up to date. When we read a "free" translation, we are stuck at the level of understanding of the translator. It is only when we read as literal a translation as possible, that we begin to glimpse Zarathushtra's own thoughts. True, any translation of the Gathas is bound to have some interpretation in it, because the Avestan language itself has inherent ambiguities, and has not yet been decoded 100%. And I do not always agree with some of Professor Insler's interpretations. Yet despite our disagreements, he freely allowed me to use his translation for my writings and my website. That showed a rare generosity of spirit. Without his translation I would never have discovered Zarathushtra's amazing and beautiful thoughts.

We Zoroastrians like to point out that Cyrus the Great freed the Jews from captivity in Babylon, allowing them to return to their own country. And Darius the Great gave them gifts of money to help rebuild their Temple. Well those ancient gifts of freedom, and help in rebuilding, have now been abundantly returned to us by their descendent, Professor Insler who has brought us the gift of Zarathushtra's own words.

Rabindranath Tagore said: "Death is not the end. It is putting out the candle because the dawn has come." Somehow Rest in Peace does not seem to fit Professor Insler's personality. So let us wish him joy in the dawn of whatever new adventures are ahead of him.

THE PRECISE IRANIAN CALENDAR and THE ZOROASTRIAN RELIGIOUS ERA made simple

Ali A. Jafarey

The Year

Human beings, like all other animals, have reckoned the seasons right from the dawn of their evolving existence. With the progress of time, they based the month on the waxing and waning phases of the moon, and also found out that there are twelve "moons" and a fraction of a day in a solar year. Those to whom the seasons were not of great importance, counted the twelve moons only and cared less for the solar year. They followed, and still follow, a lunar year.

Those who were to abide by regular seasons for their flocks and fields, had to count and, as far as possible, synchronize the lunar and solar years. Some did it by intercalating one moon every three years and later learned to have further adjustments to keep the year in tune with the seasons.

True solar year, also known as "tropical" year, was a later discovery. The tropical year, based on the four seasons, is precise. It is 365.24224 solar days (365 days 5 hr 48 min 45.5 sec), and the tropical lunar year is 354.36708 solar days, a difference of 10.87516 solar days. We need not go far to find a workable calendar. Of all the present calendars, the official Iranian calendar, based on the astronomical system, is the most scientific calendar in use and bears the names of what are known as Zoroastrian months. It rightly has the vernal equinox (about 21st March) at the beginning of the spring and the year. The fourth month begins on the summer solstice (about 22 June), the seventh month on the autumnal equinox (about 23 September), and the ninth month on the winter solstice (22 December), exactly the way the Pahlavi books of Denkard and Bundahishn prescribe..

In the true seasonal year, the first half contains 186 days and the second half about 179.242 days. This means that the first six months are of 31 days each, the following five months of 30 days each, and the last month of 29 days, but which automatically becomes of 30 days in the so-called "leap" year.

The Indo-Iranian Calendar

Evidences from the Avesta and the Vedas show that the Indo-Iranians, like many other people, followed a lunisolar year for

their animal husbandry and agricultural purpose. The names of the six Gahanbars, six parts of the Vedic year and the Achaemenian months, as seen below, show that the calendar was based on various seasonal phases of the year.

Persians and Other Iranian Calendar

The Persians, Sogdians, Chorasmians, and Armenians, all Zoroastrians by faith, had their own names for their months. The names of the Achaemenian months, as given in the bas-reliefs of Darius the Great are rendered to convey (1) Irrigation-canal-cleaning month, (2) Vigorous spring, (3) Garlic-collecting month, (4) Hot-step, (7) God-veneration, (8) Wolf-birth, (9) Fire-veneration, (10) "Nameless" month, and (12) Digging-up. Three names have not been given in Old Persian but we have their Elamite pronunciations and all, except two, are non-religious terms.

The Achaemenians had numbers instead of names for the days of the month. (see Old Persian, Ronald G. Kent, 2nd ed., New Haven, 1953).

Gathic Clues

The Gathas speak of the paths of the sun and the stars, and mentions about the waxing and waning phases of the moon, a sure sign of an accurate lunisolar year. The language used is astronomical, and it confirms the reports written in ancient Middle Eastern and Mediterranean writings that Zarathushtra was an outstanding astronomer also.

It also confirms the statement in post-Sassanian Iranian astronomy books that Zarathushtra built an observatory in Zabol, Sistan (eastern Iran) and that it was inaugurated on 21st March 1725 BCE, the day King Vishtaspa and his courtiers converted, chose the Good Religion and joined the Zarathushtrian Fellowship. It also provides us with the clue that the Good Religion was founded by Zarathushtra, exactly twelve years earlier on vernal equinox of 1737 BCE.

The Vispered, dedicated only to the six seasonal festivals "Gahanbars", also shows that the early Zarathushtrian calendar was almost the old Indo-Iranian lunisolar calendar with its waxing and waning lunar phases. The month was based on moon's phases, and the year was calculated on the solar basis. The difference was corrected by an intercalation of eleven days at the end of the year on the "Hamaspahmaidhaya" Gahanbar of the vernal equinox. This was 0.12484 day or 2.99616 hours shorter. Only a further intercalation of one day after eight years (precisely after 8.010253 years), could keep the seasonal festivals in their proper places. How did

the Gathic people correct it, we do not know. We know this much that no complaint has been recorded by them about the festivals drifting away from their relevant agricultural seasons. A drift would have brought disaster to agricultural timings, and they simply could not afford it.

Later Avestan Calendar

Sometime during the later Avestan age, the year was made into a purely solar year of 365 days with twelve months of thirty days and the five "Gatha" days as the intercalary period.

The names of the Gahanbars, and those of the Vedic, Achaemenian, Sogdian, Chorasmian, and Armenian months show that the names of the pre-Zarathushtrian and Gathic months must have been based on the seasons and social activities. "Year" in general was called "yaairi" or "yaari", but the intercalated solar year was known as "saredha". It is "tharda" of the Achaemenians, and "sal" in Pahlavi and modern Persian (compare Sanskrit "sharad", autumn, year).

Sassanians And Two Calendars

The Pahlavi encyclopedic "Denkard" states: "Exposition in the Good Religion as to which (of the two years) the solar and the lunar is (connected with) the important ceremonies of the faith. Be it known that the solar year is of two kinds. Of these (two solar years) one is made up by the addition of days, the other by the addition of hours. The one that is made up by the addition of days consists of twelve months, each month of which is of thirty days. The five additional days, required for the course of the sun through the constellations during twelve months, are added, and the year becomes one of three hundred and sixty-five days. The five days, which are over and above (the thirty days) of each month, are placed at the end of the last month of the year. These five days are made up and they are fixed after many calculations.

Besides the sum-total of three hundred and sixty-five days there are six additional hours (to be taken into consideration). These hours have to be added every year. These additional hours make up ONE day for FOUR years, ten days for forty years, one month for a hundred and twenty years, five months for six hundred years and one year for one thousand, four hundred and forty years. The time of six hours should be kept apart from the last days of the year for many years, till (the hours) amount to (a definite period of time)."

The Budahishn, in its chapter on "The Religious Year" adds: ". . . The returns to that point, that degree of Aries from which it had started in the beginning, in three hundred and sixty five

days, and five hours and a fraction, which are one year." The Pahlavi scripture speaking about the "tropical year" which it consider as "religious."

In simple words, the Sassanians continued to maintain both the "yâiri" of 365 days and the "saredha" of 365.24224 days. The first they called "ushmurdik" meaning "rememberable, reckonable" and the second "vihezakik" meaning "progressive, intercalary." While the "rememberable" was easy for the laity to memorize and count them by names, the "intercalary" belonged to the astronomer priests, linked with the imperial court, to keep the formal year precise and in tune with the seasons. The "vihezakik" year was the religious calendar.

The fall of the Sassanian empire fell the astronomer priests of their high position. Nevertheless, the intercalary year was, Pahlavi books and the present position of the Qadeemi and Shahenshahi calendars tell, kept until the 11th century CE. The decline of astronomer priests put an end to vihezakik, the solar or the tropical year, and the lay priests have continued with their "ushmurdik".

This calendar is followed to this day by Iranian Zartoshtis and some Parsis. It is called Fasli, a modern Persian-Arabic word meaning "seasonal"

The Month

The month in the Pahlavi writings is of 30 days unless they add the word "vihezakik" (solar or tropical). This they generally do by mentioning the relevant Zodiac sign.

The names of the twelve months in modern Persian and their Avestan forms with their meanings and corresponding Zodiac names (plus English meanings) as given by the Pahlavi scriptures are:

1. Farvardin, Fravashi/Fravarti (Spiritual Guardian), Aries (Ram), 21 March
2. Ardibehesht , Asha Vahishta (Best Righteousness), Taurus (Bull), 21 April
3. Khordad, Haurvatât (Entirety), Gemini (Twins), 22 May
4. Tir, Tishtrya (star Sirius), Cancer (Crab), 22 June
5. Amordad, Ameretât (Immortality), Leo (Lion), 23 July
6. Shahrivar, Khshathra Vairya (Worthy of Choice Dominion, Democracy), Virgo (Maiden), 23 August
7. Mehr, Mithra (Contract Yazata of the Pastoral Aryans), Libra (Scales), 23 Sept.
8. Aban, Ap, (Water), Scorpio (Scorpion), 23 Oct.

9. Azar , Âthra (Fire), Sagittarius (Archer), 22 Nov.
10. Dey, Dathva (Creator), Capricorn (Mountain Sea-goat), 22 Dec.
11. Bahman, Vohu Manah (Good Mind), Aquarius (Water), 21 Jan.
12. Esfand(-armaz), Spentâ Âramaiti (Progressive Serenity), Pisces (Fish), 20 Feb.

Note: Of these only those in bold letters are the Gathic "Primal Principles of Life," 'Âzar/Âthra' has been mentioned in the Gathas as the symbol of the Progressive Mentality (Spenta Mainyu), and 'ap' (water) is also mentioned in the Gathic texts, but the rest are later Avestan names.

The Week

The early Avestan people had no notion of the week, a period of seven days now in universal use as a division of time. Week is a man-made unit..

The 30 Days

The Days of the Month are not mentioned in Avesta and they only mentioned in Persian. They are (1) Urmazd, (2) Bahman, (3) Ordibhesht, (4) Shahrivar, (5) Sepandârmad, (6) Khordâd, (7) Amordâd, (8) Dey-be-Âzar, (9) Âzar, (10) Âban, (11) Khur, (12) Mâh, (13) Tir, (14) Gosh, (15) Dey-be-Mehr, (16) Mehr, (17) Soroush, (18) Rashn, (19) Farvardin, (20) Bahram, (21) Râm, (22) Bâd, (23) Dey-be-Din, (24) Din, .

(25) Ard, (26) Ashtâd, (27) Âsemân, (28) Zâmyâd, (29) Mântra-sepand, (30) Anârâm,

The Seasons

The Denkard writes; "This, too, it (the Religion) says, that the auspicious month Farvardin, the month Ardibehesht, and the month Khordad are spring; the month Tir, the month Amordad, and the month Shahrivar are summer; the month Mehr, the month Aban, and the month Azar are autumn; the month Dey, the month Bahman, and the month Esfandarmaz are winter."

Eras

Pahlavi scriptures tell us that the era began from the day Zarathushtra proclaimed his Divine Mission to humanity. . They called it the " Sâl-e Dîni -- The Religious Year." The Pahlavi Book of the Selections of Zadsparam" gives a chronology of events of the Era from the day Zarathushtra proclaimed his Divine Mission of promoting the Good Religion to the time when the crystal clear faith was disturbed. It speaks of the proclamation on Nowruz of the 1st year; the conversion of the first companion Maidhyoi-maha in 10th year; conversion of Kavik son of Kunda in the 20th year; the invasion of Iranian lands by Khyons in 30th year; birth of Vohumanah son of Avaraoshtri, a prominent missionary of the Gathic age, in 40th year; passing away of Asho Zarathushtra on the

day of Khur in the month of Ardibehesht in 47th year (30th April 1690 BCE); passing away of Ferashaoshtra in 53rd year; passing away of Jamaspa, Zarathushtra's son-in-law in 64th year; passing away of Hanghaurvah, son of Jamaspa in 73rd year; murder of six prominent personalities in 80th year; birth of Saena, a great teacher and promulgator of the Good Religion, who lived for 100 years in the 100th year; and finally the 300th year when the Good Religion was "disturbed, and sovereignty shaken," perhaps the end of the Kayanian rule.

This religious era is based on the day Zarathushtra declared his mission on vernal equinox 1737 BCE. It comes to be 3756 on 21 March 2019 CE.

Muslim Arabs and The Iranian Calendar

The Muslim Arabs, who invaded and occupied Iran, introduced the pure lunar year, their religious year, as the official calendar. Economic and seasonal revenue collection, however, forced the Muslim Caliphs to maintain, evidently by those astronomer priests who had embraced Islam, the intercalary Iranian year in addition to the Islamic year.

Names of Seasonal Timings

The Gâhânârs:

The agricultural people were in tune with nature in their day-to-day life. They fully knew the solar and lunar movements and the changes in the seasons. They had timed their activities to suit the climate in which they lived. This timetable was kept in step with the tropical solar year of 365 days, 5 hr, 48 min, and 45.5 sec, but differed a little on certain points.

Their activities were scheduled to correspond with various phases of their agricultural life on the Iranian Plateau. It was divided into six phases. The end of one phase and the beginning of other were celebrated as a special time of festivity. The six seasonal festivals were:

- (1) Hamaspathmaidhaya, meaning "vernal equinox," the 1st day of Farvardin, the beginning of spring, on or about 21st March..
- (2) Maidhyoi-zaremaya (Mid-spring), 14th day of Ardibehesht, on or about 4th May
- (3) Maidhyoi-shema (Midsummer), 12th day of Tir, on or about 3rd July.
- (4) Paitish-hahya (Grain-reaping), 25th day of Shahrivar, on or about 16th September.
- (5) Ayâthrima (no-travel), 24th day of Mehr, on or about 16th October.
- (6) Maidhyâyira (Midyear), 15th day of Dey, on or about 4th January

Gahanbars and Zarathushtrians:

Asho Zarathushtra, himself born in an agricultural environment, preached and spread his Good Religion among people engaged in crop cultivation and animal husbandry. His dynamic message introduced a completely new order in spiritual, or better, as he put it, mental sphere and purged out all evil and superstitious thoughts, misleading words, harmful deeds, and superficial, superfluous rituals, but helped to strengthen and promote all the then-existing constructive activities of a good living. And the Gahanbars were one of the constructively enjoyable festivals.

Chanting and Feasting:

Avestan evidences, particularly the book of Vispered, show that the early Zarathushtrians turned the Gahanbar into an occasion to fit into their new pattern of life. Each festival was traditionally celebrated for one and later for five days. They were devoted to reciting, chanting, explaining, understanding, and holding questions-and-answers on each of the five Gathas of Asho Zarathushtra. The festival was rounded up with a feast prepared by collective participation and efforts, and merrymaking.

Concluding Points

1. The Gathic year was, like other Indo-Iranian calendars, a precise lunisolar year of 365 days, 5 hours, and a calculated fraction.
2. Later, the lunisolar year was perfected into a fully solar or tropical. Fasli, an Arabic term in Modern Persian, is the name used by the Parsis.
3. The year began precisely on the Hamaspathmaidhaya – Nowruz on vernal equinox.
4. The four seasons were each of three solar (vehizagi or Zodiac) months.
5. The Zarathushtrian Religious Era (ZRE) was reckoned from the Nowruz on which Asho Zarathushtra proclaimed his Divine Mission.
6. Linguistic and archaeological evidences enforced by astronomical calculations fix ZRE to have begun exactly 3736 from 21st March 1998.
7. Both the Shahenshahi calendar of the Traditionalist Parsis and the now almost defunct Qadimi calendar are well out of tune with the tropical year only because the priests in charge

have not been first unconsciously and now consciously neglecting to return to the intercalation religiously adhered to by the authorities in pre-Islamic Iran.

The Fasli year, officially observed by Iranians -- Zartoshtis, Jews, Christians, and Muslims -- in modern Iran and Afghanistan, is the "saredha" of the Avestan people, "tharda" of the Achaemenian, "Vihezazik" of the Sassanians, and the "Jalali" of Omar Khayyam. This precise solar year is also reckoned by all observatories in the world. It is the universal astronomical and scientific year.



Dr. Ali Jafarey, was born in Kerman, Iran. He received his schooling up to the University level in Karachi. He has a doctorate in Persian Language and Literature, and has self-studied thirteen living and ancient languages, and also studied linguistics, anthropology, Indo-Iranian literature, history, geology and research methods. In Saudi Arabia, he worked as a translator/anthropologist in the Arabian Research Division of Aramco. In 1991, Dr. Jafarey, with seven other co-founders, established the Zarathushtrian Assembly in Los Angeles

How can we unite?

Jamal Suleiman

Assistant Director of the Yasna Organization in Kurdistan

The question of how we can unite the Zoroastrians of the world is everyone's mind. But, why we are hesitating moving forward to unite all of us as one power and one community? This is our question in Kurdistan. We know and historians know that that the Zoroastrian empires run from Indus valley all the way to Libya. Through various wars by Alexander and by Islamic Arab invasions, the population of millions now shrunk to thousands. Of course this left a bad taste and fear and people lost hope to become united again. But, today the world is different. The Kurdistan, which was the battlefield in all those wars, as you all know, was subjected to destruction. Now the Zoroastrian belief is reviving. We are increasing in number. This revival and renaissance needs the united Zoroastrians. Since 2017 we have tried to contact and connect with other world Zoroastrians and we got a good reception by the CZC and they helped us contact you all and share the news of our progress hoping this will cause the Zoroastrians of the world to unite. To tell you the truth we are not satisfied, because we are looking for a strong united worldwide union.

In our attendance at 11th World Zoroastrians Congress in Perth we were expecting to come out with some decisions and plans. We were surprised that at the end everyone left as if going out to a special party event. The banner of the Congress was "Together- Towards Tomorrow". That was our hope; however to our disappointment the banner message did not seem to be the goal that we are doing anything towards tomorrow.

We need to deliver the message of Gatha to the world so we can help to bring justice and peace to the world and to the region, which we live in. We must plan towards unity and towards tomorrow. By the way tomorrow is now. We must unite now.

I believe we should all work together on the following points to bring all of us together united and strong:

1. Through generations some distance occurred between various groups of Zoroastrians. We understand that. Some of those differences may be was necessary to protect the community left after all the massacres. But, the world has changed. Yes Islamic State (ISIS) is working its way on killing and destroying, but our brave men



and women are defeating them in every battle. Well, not everywhere. In the Afrin district of Turkey the world was watching but turned the blind eye on us. We realized the evil is still working in many different ways. That is why we need to unite.

Despite our differences we have the most precious common point, which is the Gathas. The Gatha of Zarathustra is good enough to put all of us on one camp. The Gatha is our common denominator and all of us agree on it. This is one important point.

2. The existing status quo is not right. It is similar to those last days of the Sassanid Empire. The government and elites were all having a luxurious life. In the meantime they did not care for the people and even their army. A few Arab tribes from Yemen and Arabia were able to defeat them in weeks. They left poor people to fight back with no government to support. I see the Zoroastrian community in the similar situation. Some of us are struggling and others living in ivory tower debating who can attend certain ceremony prayer. Today, we have the best opportunity to come back. Please do not waste this time. It is an opportunity knocking on our doors. As they say opportunity knocks only once.

3. The next World Zoroastrian Congress must create a unity and high committee to oversee the world activities and support in various ways to promote the religion and develop individuals. Participant must be representatives of all regions and create programs of developing good Zoroastrian citizens.

4. Have a single unified message that benefits all. Developing universities and education materials. Facilitate the process of the renaissance and return of our lost brothers and sisters back to our religion. The need for unity here is very important.

5. 11th Congress was successful in terms of listening to speakers, food, entertainment, hotel accommodation, and much good work behind the scene. All of that is appreciated and one can understand the amount of work

as well as a financial backing and support that was put into this. Then what was the outcome? What is the plan for the next step? What the Zoroastrians plan of action with regard to the Zoroastrians of Kurdistan, Tajikistan, etc.? My question is what is the use of this gathering? We all need to rethink everything. Do we want to walk in the footsteps of Ashu Zoroaster and bring these ideas to the world? Or we are happy to be encapsulated and turn to a cult of our own? Please, do not get mad because we love this path that we are on and we believe you do too. But, please be active and come forward and help our cause. We are putting our lives on the line and you can just support us read about us and extend a helping hand.

6. With regards to the process of the Zoroastrian Renaissance in Iraqi Kurdistan, we practice our activities and religious rites openly under the protection of Law No. 5 of 2015 from the Kurdistan Regional Government. In four cities there are local committees. But we have financial difficulties to open more centers, to gather Zoroastrian in the four cities, for information we currently have "Atashgah" with the center of the Zoroastrian meetings in the city of Al sulaymaneyah and one center in the city of Erbil, the capital of Kurdistan region, so we need help with travel expenses to follow up activities between these cities, Knowing that all the expenses of the activities are to promote Zoroastrian religion. Mrs. Awat Darya's Zoroastrian activities as the representative of the Zoroastrians in the Ministry of Endowment and Religious Affairs in the Kurdistan region of Iraq since 2015 are all self-funded. Kurdistan region is in a financial crisis as a result of the war and there are more than two million displaced in the Kurdistan region and the financial situation in general is that people are in a state of depression so that we have difficulty in raising funds. Therefore, we need financial support to manage these activities in establishing Zoroastrian religion in the area permanently and participate in most activities in the process of peaceful coexistence.

7. In order to continue and strengthen the process of the Zoroastrian renaissance in Kurdistan, we need a sustainable financial source in the Kurdistan region. This can be secured in the future by establishing an investment project that will serve the Zoroastrians first, in perpetuating the return of Zoroastrianism and preserving the independence of the Zoroastrian religion while at the same time serving the people of the Kurdistan Region, for example the modern cattle and sheep breeding project or any other productive projects. The Kurdistan Regional Government (KRG) currently supports investment projects. This type of project requires financial support to purchase agricultural land and to supplement the usual procedures

of the government. The government gives the advances to such projects. Strategy to support the national economy. This is a worthwhile proposition not only in Kurdistan, but in any other region there is a Zoroastrian revival.

8. As for the educational issues of Zoroastrian religion, we need to prepare, nurture and prepare mentors and teachers in Zoroastrian education and its distinctive moral philosophy. We had earlier promises from the Zoroastrians in California in 2017 when Awat Darya visited Los Angeles to open courses to train Zoroastrian teachers, but it was difficult to get the American visa. We have not been able to send anyone yet. In December 2018, in our visit to India, we received the same promises from the Zoroastrians in Delhi Zoroastrian Anjoman. In the near future, we hope to send young people to receive the Zoroastrian religion to work on the successful return of the Zoroastrian religion to its people in Kurdistan.

9. In conclusion, I like to say that, the critical humanitarian situation today needs to apply the principles of the Zarathustra. But today the fate of human civilization is in greatest danger and global peace is threatened by the existence of huge arsenals of deadly weapons. Environmental pollution is also on the rise as a result of technology, both threaten the human civilization. This is derived from the greed of human mind who follow bad thoughts, bad words and bad deeds, which was fought by the Prophet Zarathustra. He called on human beings to fight it, overcome it with good thought, good words and good deeds. It is time for the Zoroastrians to rise all over the world to spread the moral principles of tolerance and the culture of love and peace and to spread happiness among human beings in order to advance humankind with science, so that man can reach perfection and immortality. And of course, this is never done by saying and hanging in places of worship to satisfy Ahura Mazda and delighting the spirit of Zarathustra with traditional pretense. However, all the principles advocated by Zarathustra are applied in saving and ascertaining the perfection of human beings, and only by realizing the actual work and exerting all efforts and abilities to spread these principles in order to contribute to changing minds towards spreading love, peace and happiness among human beings.

Zoroastrian Studies Fellowship at UCLA



Thanks to a gift in 2018 from the Trust of Morvarid Guiv, the Morvarid Guiv Graduate Fellowship in Zoroastrian Studies has been established in UCLA's Pourdavoud Center for the Study of the Iranian World. Named after the late Iranian philanthropist Morvarid Guiv, the fellowship will support graduate students studying the Zoroastrian religion, its ancient history, languages, and scriptures. The gift secured additional matching support from the UCLA Chancellor's Centennial Scholars Match program.

The Zoroastrian religion is one of the oldest monotheistic religions in the world and was the dominant faith of the Iranian World (including Asia Minor and Central Asia) prior to the rise of Islam. The fellowship enables UCLA's long-established doctoral Program of Iranian Studies to attract and train new generations of experts exploring the many facets of this influential, ancient Iranian religion that continues to thrive today—further reinforcing UCLA as the premier destination for scholars working on ancient Iran.

"It is a great privilege to host this timely fellowship that so wholly complements the mission and aspirations of the Pourdavoud Center and its eminent eponym," said M. Rahim Shayegan, Director of the Pourdavoud Center. "The Morvarid Guiv Graduate Fellowship will not only strengthen the study of ancient Iran at UCLA, but also ensure that future generations of scholars pursue research in the languages

and history of this remarkable religion."

Born in Iran, Morvarid Guiv and her husband Rustam Guiv were successful businesspeople who helped Zoroastrian communities by building schools, low-income residential projects, and Zoroastrian community centers. When they immigrated to the U.S., they founded Zoroastrian community centers in the U.S., Canada and Australia.

Graduate students awarded the fellowship will benefit from the presence of a strong faculty specializing in ancient Iran and the ancient world at the Department of Near Eastern Languages and Cultures, and from the unparalleled resources of the Pourdavoud Center, the first research institution in the Western hemisphere that aims to advance the knowledge of ancient Iranian languages, history and religions. Named for the late Professor Ebrahim Pourdavoud, a pioneering scholar of ancient Persia, the Pourdavoud Center aims to engage in transformative research on all aspects of Iranian antiquity, including its reception in the medieval and modern periods, by expanding on the traditional domains of Old Iranian studies and promoting cross-cultural and interdisciplinary scholarship. Professor Pourdavoud was the first scholar to translate the Avesta, the Zoroastrian sacred scriptures, into Persian.

PERSEUS AND THE PERSIAN RELIGION

Jason Reza Jorjani, PhD

Abstract: Even before the Greek colonization of Iran, there was a folk lore that the Persian people are descendants of the god Perseus through the son born to him by Andromeda, namely Perses. This myth was taken to heart and politically institutionalized by the Parthian dynasty, Iranians from Central Asia who brought two centuries of Greek colonial rule to an end in Iran and who manufactured genealogies to legitimize themselves as heirs to the Persian Emperors. They also claimed Perseus as their patriarch. The Parthians were Mithraists, and an analysis of Mithraic symbolism and ritual suggests that Mithra is none other than Perseus himself. This claim has sociological, cosmological, and psychological dimensions. On a sociological level, Mithraism or the mystery religion of Perseus was widely understood by classical authors to be “the Persian religion” with Perseus himself identified as the arch-magician who made a hearth for the heavenly fire in Persia when he founded the Order of the Magi. On a cosmological level, Mithra qua Perseus was understood to be the agency responsible for the astronomical precession of the equinoxes. As the god above the god who designed the astrological sphere, Mithra overpowers the Gorgon of Fate, namely Zorvân (or Chronos), by tilting the axis of heaven and shifting the entire celestial sphere. From a psychological perspective, this signifies a reaffirmation of the free will that was so central to the teaching of Zarathustra as against the fatalism that had afflicted Iran during two centuries of Hellenistic rule.

The myth that Perseus was the patriarch of the Persian nation had already been opportunistically exploited by the Achaemenids in their attempts to incorporate mainland Greece. Many Greeks of the Achaemenid period relate this heroic genealogy of the Persian people. Skylax of Caryanda, Aeschylus, Hellanikos, and Herodotus all connected Perseus with Persia, with Herodotus claiming that his son by Andromeda, Perses, was patriarch of the Persian nation. According to his Greco-Persian devotees, Perseus founded the order of the Magi, having brought the celestial fire to Earth, and entrusted it to descendants of his son by Andromeda, namely Perses – the first Persian. The Byzantine historian Gregorius Cedrenus preserves this legend concerning the founding of what he calls “the Persian religion.”



In the wake of the Hellenization of Persia during the Seleucid period, the Parthians embraced this idea. Mithradates II had himself depicted as Perseus on some of his coinage, which also featured the harpe sword as well as the crescent and star. The harpe sword was given to Perseus by Hermes, the Trickster. The harpe together with the crescent moon and star is the symbol of the fifth grade of initiation in Mithraism, the grade of Perses or “the Persian,” and the symbol of the seventh grade of “the Father” – which refers to Perseus or Mithra himself – is a curved knife next to a Phrygian cap with a staff and bowl. This Parthian king, who is the first person to describe himself on his coins as “Shahanshah of Iran”, had the epithet Philhellenes or “lover of the Greeks” struck on the same coinage, thereby reconciling both the Achaemenids and the Greeks who defeated them, as part of his legacy. He also referred to himself as Epiphanes or the manifestation of god. Which god? Mithra. Mithradates I believed that the Parthian dynasty were descended from Perseus, via his son Perses. The Gorgon and Pegasus are also depicted on his coins, as well as those of Mithradates III and IV. Mithra is none other than Perseus himself and the bull-sacrifice or tauroctony imagery at the heart of the Mithraic mystery is an astrologically encoded version of his heroic Gorgon-slaying. Mithra is a youth wearing a tunic and a Phrygian cap. He stabs the bull with a small dagger in his right hand while holding its head up with his left hand. He looks away from the bull as he stabs it in the neck. He is atop

the bull, with his left knee bent and his right leg extended. It has been noted by art historians that the looking-away of Mithra from his aim and deed is not at all consistent with classical art, and has only one precedent: Perseus averting his eyes from Medusa as he decapitates her. The constellation of Perseus is directly above the constellation of Taurus. The most ancient depictions of Perseus show him wearing a Phrygian cap just as Mithra does. It is the cap of Hades, which renders the wearer invisible. It was given to him by the nymphs as a tool to use in the task of slaying the gorgon Medusa. Mithraea were built underground, and an underground cavern was believed to be the birthplace of Perseus.

The Gorgon is the androgynous deity of Time known as Zorvân in Persian and Chronos in Greek. The leontocephalic god in Mithraic iconography is a reference to the Gorgon archetype. The most archaic Gorgon images have leonine animalistic faces, with snakes emerging from the hair and entwining the body as in the case of the Mithraic leontocephalic god. Some Mithraic sculptures even feature a lion on one side and a Gorgon on the other. This was also the case in the colonnades of buildings associated with Mithraism, whose marble columns sometimes had alternating lion and Gorgon heads depicted on their upper ledges. While the Gorgon is female and the leontocephalic Zorvân is assumed to be male, the latter's genitals are covered by the serpents entwining its body so that its sex is in question. Zorvân is hermaphroditic. The lion-headed god of Mithraism is to Mithra as the Gorgon is to Perseus.

Mithra takes the power of the Gorgon and thus becomes lion-headed himself. Some classical sculptures depict this. The Orphic Phanes, entwined by the serpent Chronos, breaks out of the cosmic egg, and on his chest he bears the lion-head symbol of Mithra. Some classical inscriptions suggest an identification or syncretization of Mithra and Phanes. Likewise with Mithra and Aion, a youth who turns the zodiac in Greek mythological images. The ultimate legacy of this idea is the heraldic standard of the Persians (Pârsiân), the harpe-sword wielding lion with the sun rising behind him. The lion and sun symbol, especially considering the harpe sword in the lion's hand, represents Mithra having conquered Zorvân or Fate – as in the expression: “fortune favors the bold.” This heraldry combines the symbols for the fourth, fifth, and sixth grades of initiation in Mithraism, the grades of Leo, the Persian, and the Solar Charioteer.

Under influence from Greek fatalism, the battle between the forces of Ahura Mazda or “Ohrmazd” (Middle Persian for Ahura Mazda) and Ahriman was recast as a gigantomachy whose main protagonists, the Lord of Light and the Lord of Darkness, are twins born of Time and controlled by fate. The twelve constellations of Ohrmazd and the seven planets of Ahriman are part of a heartless celestial machinery, Sepehr, whose turning wheels mercilessly deal out fortune and,



more often, grave misfortune to the men at their mercy. Zorvân, the progenitor of both Ohrmazd and Ahriman is the god of earthly birth, death, and decay in Mithraism. Some residues of this remain in references to Zorvân that were not expunged from the Middle Persian scriptures of the Sassanian period. “Zorvân is the god of death,” and as the Shikandé Gomâni Vazâr puts it, this god is “nearer to man than the jugular vein.” That is quite clear from descriptions of Time in the first chapter of the Middle Persian text Bundahishn. Another Pahlavi text warns: “For Zorvân there is no remedy. From death there is no escape.” The heavens are a machinery of death. Sepehr, the celestial sphere or firmament, is the body of Zorvân and it dispenses both good and bad fortune, being alternatively called “the good Spihr” and “the evil Spihr.” It is through Sepehr that destiny is apportioned on earth. The Sepehr is viewed as having begun as a seed into which finite Time enters before it grows through all the stages of an embryo and ultimately becomes the material Cosmos.

In Mithraism, the struggle that takes place between Ohrmazd and Ahriman over the course of the twelve zodiacal epochs is characterized, in Greek terms, as a gigantomachy. Mithraic iconography includes depictions of the Gigantomachia, which is essentially a story about the overthrow of Chronos (Zorvân). These include a depiction of Saturn handing



over his thunderbolt and scepter to Jupiter, marking the passage out of the golden age. The mutability of the reign of the god-father is in evidence here. Astrological and sexual symbolism pervade the Mithraic account of this cosmic war between the gods and titans.

Plutarch describes Mithra as the mediator who arbitrates the contract that defines the terms of engagement between Ohrmazd and Ahriman during the cosmic war. Mithra was the god of contracts, oaths, truth and trust. The handshake, as a sign of trust (that one is not carrying a weapon) in greeting a friend or closing a business deal, originated within the Mithraic order. There is no evidence for it as a common custom in Europe prior to the spread of Mithraism. The earliest depiction of this is a first century relief of Mithra shaking right hands with the Parthian Shah Antiochus. The Mithraic handshake was referred to as dexiosis and so initiates of the Order were called syndexioi, "those who have been united by a handshake" (with the Father). The colossal tomb of Antiochus I of Commagene (69-34 BC), known as Epiphanes, at Nemrood Dagh in the Taurus mountain range, with a distant view of the Euphrates valley, is one of the most impressive Mithraic architectural sites that survives. The Nemrood Dagh bas-relief of King Antiochus shaking hands with Mithra is one piece of evidence in favor of the Mithraic origin of the handshake.

In his capacity as the lord of oaths, Mithra is judge over the oaths that each of the two parties swears in their agreement to abide by the terms of the treaty governing the cosmic battle. One of the Middle Persian titles of Mihr is harvispatmân "he who deals with all treaties." In the Zandi Xvartak Apastâk, Mithra's justice is conceived of in terms of "just mediation among spiritual and material creatures."

Eznik confirms that the Magi believed that "the Sun acts as mediator between Ohrmazd and Ahriman" and as the judge over them. This cannot be the actual Sun, since the Sun was produced through the incestuous intercourse between Ohrmazd and his mother, the hermaphroditic Zorvân. Eznik is confusing the Sun with Mithra, the Unconquerable Sun. The sun god (helios) kneels before Mithra in submission, since as Sol Invictus Mithra is superior to the sol that can be conquered by night and darkness. Mithra is the Black Sun that shines amidst the darkness in an inextinguishable and enduring fashion.

Conclusive confirmation of the role of Mithra as mediator between Ohrmazd and Ahriman, and judge over both of them, can be found in a passage of the Bahman Yasht that, somewhat shockingly from an orthodox Zoroastrian standpoint, admits that Ahriman has breached the terms of the contract without Ohrmazd being able to do anything about it. Consequently, Mithra must retroactively take remedial action. The Bundahishn has sanitized an older and more original narrative in which Zorvân, not Ohrmazd, is the creator of Mithra the Judge over the two brothers who are her twin sons.

The bull in the tauroctony iconography of Mithraism symbolizes the constellation Taurus, while Mithra or Perseus, progenitor of the Persians, is Aries bringing the former zodiacal age to an end and inaugurating a new age. The Mithraists were suggesting that Mithra is the Lord of Precession. By comparison to the Earth's rapid rotation, precession is a slow wobble in the Earth's rotation on its axis. The poles of the Earth trace out a circle over 25,920 years, causing a change in the stars that appear on the celestial equator, including the constellation in the night's sky at the

point on the horizon where the sun is going to rise on the equinoxes and the solstices. Over the full cycle of the Great Year, the 12 signs of the zodiac each spend 2,160 years as the constellation that the sun rises into at dawn on the Spring Equinox. That constellation is currently Pisces and is about to yield to Aquarius as we complete one Great Year and enter another cycle. Mithra slaying the bull is the Age of Taurus giving way to the Age of Aries (or Mars, who some Romans equated with Mithra).

Mithra as kosmokrator (ruler of the cosmos) is depicted holding a sphere marked by the intersection of the circle of the zodiac and circumference of the terrestrial equator. Sometimes he is even depicted in the guise of Atlas, bearing such a sphere on his shoulder. The identification of Mithra with Atlas makes sense in terms of the former's power over the celestial sphere and its cruel creator. According to Ovid, there is also a connection between Perseus and Atlas insofar as it is Perseus who, by showing the titan the head of a Gorgon, turned Atlas into stone. That the starry sky appears on the inside of Mithra's billowing cape is another reference to him as the kosmokrator.

At least by the Parthian period, as a reaction to Greek fatalism, Mithra becomes a being capable of moving the entire sphere of the fixed stars, a being more powerful than the planets and the Sun. Most importantly, Mithra would on this basis be viewed as even more powerful than the creator of the Cosmos – the being symbolized by the leontocephalic Lord Time, namely Chronos or Zorvân. He stands outside of the celestial sphere, which is both the creation and embodiment of the cruel demiurge, and so he is in a position to change fate by shifting the axis of the heavens. In a world where the movement of stars and planets were believed to determine one's fate, "the lord of the precession" would have the power to change fate. To put it in positive rather than negative terms, this is to grant the human being a free will that overpowers the cruel stellar machinations of the demiurge who created the Cosmos. This was conceived of as holding a royal scepter over the heavens and sovereignty over the fates. Perhaps this is why the Swastika, a symbol of "good fortune", is the "wheel of Mithra" (gardâne-ye Mehr). It is the handle he uses to move the heavens. The celestial bears or Arktos are the symbol and instrument of the kosmokrator at the pole.

According to classical thought, the fixed stars rotated around the fixed polar axis, beginning with "the shining Bears" (Arktos). In works such as Aristotle's *On the Heavens* this stability is taken to be a symbol of the eternal perfection of the Unmoved Mover. Cicero, Manilius, and Aratos all agree. So precession was conceived of as a de-stabilization of the axis of the Cosmos, the heavenly Logos of which was supposed to be mirrored in the Nomos of earthly law and order. This is a very dangerous idea with social, religious, and political implications.

By overpowering the Creator, Mithra is capable of bringing a New Age. This was envisioned as a shifting of the basic structure of the Cosmos itself. In accordance with the ancient Hermetic idea of "as above, so below" such a shifting of cosmic order ought to also yield a New World Order, an epochal reorganization of socio-political systems. When we combine this astrological metaphor with the view that Mithra is the "mediator" between Ohrmazd and Ahriman, as well as the "judge" over them, we arrive at the view that Parthian Mithraism was about radically reclaiming the conscientious free will and individual self-determination at the heart of Zarathustra's own teaching.



Jason Reza Jorjani, PhD received his BA and MA at New York University, and completed his doctorate in Philosophy at the State University of New York at Stony Brook. Dr. Jorjani has taught courses on Science, Technology, and Society (STS), the philosophy of Martin Heidegger, and the history of Iran as a full-time faculty member at the New Jersey Institute of Technology. Earlier he taught Comparative Religion, Ethics, Political Theory, and the History of Philosophy at the State University of New York. He is a professional member of the Society for Scientific Exploration (SSE) and a Senior Advisor to the Executive Committee and Board of Trustees of the Iranian Renaissance. Dr. Jorjani is the author of four books, including *World State of Emergency and Novel Folklore*, which both pertain to Iran. His first book, *Prometheus and Atlas* won the 2016 Book Award from the Parapsychological Association (PA). His website is: jasonrezajorjani.com

The Zoroastrian global communities and the United Nations Progress and success in light of respect and cooperation

Dr. Khosro Esfandiari Mehrfar

A global initiative has been originated by couple of Zoroastrians, lead by FEZANA with the help and cooperation of a few of our zoroastrian leaders. This initiative is an attempt to address some local, few regional and even global conflicts that we all have been witnessing over the decades on an increasingly basis.

As a quick introduction and a brief background United Nations was formed in 1941 and It took about four years to draft its Charter. The United Nations Charter clearly specifies the main goals and objectives of this global institution which acts as an international governing body overlooking the relationship between each member nations with the hope of having a better world for its citizen in terms of peace, prosperity and progress. The charter in its draft form was finally ratified and was signed by all member nations in 1945.

Since its establishment almost 75 years ago no major changes have been made to the original version of the United Nations Charter. However the world has changed drastically since then. While for 200 years prior to 1945 many of the local, regional and even Global Wars that the world had witnessed were mostly based on expansionism, threat and even fear of extinction, specifically the two world wars, very few had been rooted in religions and personal belief & faith. However since then & specially in the last 40 years, we are witnessing major conflicts around the world that are somehow related to religions or made to look related to religions or even sometimes making it directly related to one's personal belief & faith.

These conflicts have created disastrous situations dislocating millions of innocent people from their Homeland and imposing extreme pressures on national affairs of a few countries who have been trying to help these refugees in terms of humanitarian assistance. We have been witnessing these mass migrations on larger and larger scales in the last two decades creating on one side a disruptive force for the refugee communities who are simply seeking a better life in a safer place which is a very basic and fundamental human needs and indeed highly respectful and then on the other

side creating the disruptive force in hosting countries with usually very different culture which in most cases are not ready to take care of the large influx of all of these innocent people. And in this unfortunate forced migration, we will be witnessing dilution of one's identity in historical scale, extreme stress and pressure exerted on refugees & migrants due to slow and in most cases lack of adaptation to the reality of the new world with its fundamentally different set of social rules, respect for law, system of conducts & overall way of life, etc.

Almost 25 years ago I wrote an article addressing a similar situation. While at that time & in that article the main subject line was technology specifically related to a brand new terminology related to an emerging branch of technology that just had been created & coined as "Global Village", this time & in this article, the technology is being replaced by Humans & the subject line is Humanity, even though the same metaphor exist in both cases. The title of that article I had chosen to be "Global village or islands of isolation?" and I explained if technology & specifically telecommunication technology which was going to explode due to the expansion of Internet could not be put in good use to build Bridges between human Societies in various countries, It in fact will create islands of isolations between various human societies and in different countries around the world. This in turn will put even more distance between relatively developed & advanced countries such as United States, European Union and Japan, representing countries on one side of the global spectrum of nations and the majority of the United Nations member countries who are considered to be second, third and fourth world countries on the other side of the spectrum. Since then & as we have been witnessing the large gap between the Haves and Have Nots, between the rich and the poor and between Advanced countries and the rest of the world has grown even bigger every single year. The same concept and metaphor is at work here again, but this time instead of technology, it is the Humanity and instead of telecommunication it is Religion.

We all know that the religion of Zarathustra is based on peace prosperity joyfulness happiness freedom of choice and respect for all mankind. And looking back at United Nations Charter we notice that any issues or any matters related to religion have been either omitted or not considered due to the obvious fact that United Nations is not a religious organization and was not established in 1948 to address any religious matters.

However as mentioned earlier the world has changed in the last 75 years and currently we see that if not most but at least some of the major conflicts around the world specifically in the Middle East have been rooted in religion. Putting all these facts together the idea of proposing to United Nations

to consider a change which is in fact & more accurately "an update" to its Charter to include addressing religious conflicts was being explored between couple of zoroastrians in 2015 Parliament of World Religions in Salt Lake City, Utah.

This idea was shared with the leaders of the various religions and also group of participants at the 2015 parliament of world religions and was warmly & enthusiastically received. Therefore it was decided that the idea become an initiative and shared by millions of people in terms of online petition so anybody anywhere who cares about peace and prosperity for All Humanity has a chance to decide on his or her own and support this petition to be submitted to the Secretary General of United Nations.

As we all know, our religion is a set of fundamental belief system that is rooted in Humanity hence as long as Humanity exists, our Religion will always be ever-fresh and ever-last. And as such, simple principles depicted in this official petition is deeply rooted in the basic fundamental principles of our Zoroastrian religion & we drafted the petition as such and based on those principles.

Following is the actual body of the petition which you can find it online on the home page of FEZANA website as well.

UN Religious Arm

For Global Peace and Harmony

Join us to help United Nations to maintain International Peace and security

Petition for the establishment of a religious arm of the UN

To Honorable Secretary General, United Nations:

It is our human right to live in a better and more peaceful world. This is the right of every human being and this is the goal of UN. Many conflicts resulting in human tragedies are increasing daily, driven by Clash of faiths and one's belief, manipulated by a few.

Times have changed since the UN was established. To keep the goal intact, the UN should respond accordingly.

A petition was initiated by Federation of Zoroastrian associations of North America (FEZANA) and Sikh Community leaders at the 2015 parliament of the world's

religions October 15-19 supporting the formation of the belief-based arm of the UN to respond to the necessity of our times and to ensure that the right of every human being to a peaceful living is respected, preserved and protected.

Therefore we, the undersigned, respectfully request the UN to support this critical initiative of our time.

To see the actual petition online and to support it per your choice, your free will and per your own personal discretion, please visit FEZANA website at www.FEZANA.org and you will see an icon on the homepage in the upper section and if you click on that icon, it will take you to the actual Petition which you can then review.

This is a major Global initiative with possibility of far-reaching results around the world with positive impacts and constructive consequences if materializes. We understand United Nations has its own rules and regulations which we have been following and we know that there are certain protocols that need to be implemented & respected by all of us. If & once this initiative materializes it may be one of the few major initiatives that have been originated by the global Zoroastrian communities at this level.

There are still a lot of hurdles to pass but the petition is gaining momentum everyday and having support from many corners of the world from various countries and cities and different individuals and groups of people with diverse background & wide spectrum of personal belief & variety of religions. These are the People who feel the necessity of our time is to have a more peaceful world with better understanding of each other to live in and then leave it in a better shape for next generations and many other generations to come afterwards. After all we are all Humans & belong to one Family of Humanity, no matter what religion we believe in



Dr. Khosro E. Mehrfar was born in Tehran, Iran. He moved to U.S. in 1979 to pursue his higher education. Dr. Mehrfar has served the Zarathushti community in many capacities. He lives in Southern California with his family.

Ask Nahid

Dear Nahid,
Why is there so much emphasis on questioning religion and faith in the Zoroastrian religion? Isn't it something we just need to believe and accept?
~Mandana

Dear Mandana,

Curiosity is undoubtedly a part of human nature. From the day we were born, we started growing a muscle in our bodies that has the function of thought – our brains. The main purpose of our brain is to process, analyze, deduce, and determine what the best path forward is for us in any circumstance.

The true essence of Zoroastrianism is progress. Progress that can only happen through constant healthy debating and discussions. Without an opportunity to talk things through or to discuss different opinions and to ask questions of things we do not know, there would never be any progress. We would all still be thinking that the sun rotated around the earth. But because people asked questions and sought the answers to those questions, we know better today the system of the universe.

Asking questions and questioning your faith is essential to being Zoroastrian. Consider it the ultimate practice of free will. By asking questions you seek to answer some action or process that you will follow or react to. An answer to a question can lead to a different path in life. By asking all the questions and finding out as much as we can, we practice our free will to choose and decide our own path.

In the Gathas, Zartosht spends an entire chapter (Yasna 44) asking questions. Figuring out what this philosophy and religion is that he is choosing to practice. He asks questions on the origin of life, the orbits of the planets, the stars and the essence of nature. Zartosht asks questions that he himself will seek answers to in the practice of our religion.

"This do I ask Thee, O Ahura and wish you to tell me truly. Do thou advise me about thy inspiring faith which is the best blessing for all the living beings. The faith which is in accord with truth and helps the progress of the world. Do enlighten, O my Lord, in our

hearts the light of faith or Armaiti, so that through its light our actions may turn towards truth and righteousness. Do guide us, O Mazda, so that our yearning may be to reach Thee." (Yasna 44, verse 10 translation by mobed Firouz Azargoshasb)

Your faith strengthens with each question that drives you further and further towards a truth that you reach by using your own good thoughts to make decisions with every answer. That is why we call our highest power Ahura Mazda – Greatest Wisdom. Because you reach your greatest potential in life by seeking out what your greatest wisdom is. You are the decision maker for your good thoughts and actions and words.



If you are not questioning your community or yourself, you are staying stagnant with outdated information. Being outdated is not progress. Being true to the information you receive and acting justly and honorably to the truth in those answers you hear, that is the essence of Zoroastrianism.

Zartosht himself had this thirst for truth and knew that it is in the core of humanity to seek truth. That we are a curious lot. That we strive for information. Questioning our origins and our faith only make us that much stronger in our beliefs because only then do we have something we can truly follow with our good minds, good hearts and good souls.



Nahid Dashtaki completed her master's in both Dispute Resolution and Public Policy from Pepperdine University. She has received two Bachelor of Science degrees in International Relations and Comparative Literature from the University of California, Irvine along with extensive international work experience in the Middle East and Asia

Sing along Songs

Roya Behmardian

Sitting in his Michigan State University dorm room, my father eagerly placed his one and only cassette tape inside the portable radio beside his bed. As he leaned back and pressed play, the voice of his favorite Artist, Sattar, softly filled up the room. Each song felt like a small piece of home, and after leaving Iran, small pieces of home carried incomparable value. He listened to those songs every night before falling asleep--a tradition he'd repeat almost every night that year.

Almost 40 years later, as I sat in the car with my dad listening to Arian Band, spotify recommended one familiar song- "Shazdeh Khanoom" by Sattar. His face lit up as the beginning started to play, and that's when he told me the story about his dorm room. From an old cassette tape to a spotify download, the music stayed the same--and so did the joy he felt as heard it.

Though it seems rather trivial, I felt like I understood my dad a little bit more after that moment, and I felt more connected to him. It was then that I started to appreciate the fact that the songs my parents listened to in Iran, the ones they used to sing to me before I fell asleep, were not only really wonderful songs, but also ones loaded with so many personal memories for so many people. I wanted to revisit the music that reminded my parents and grandparents of their own pasts, and while doing that, I unintentionally created new memories with those very same songs.

My mom and aunt sang Googoosh's "Gole Bee Goldoon" to me when I was a kid because they used to sing it to one another as teenagers in Iran; it was a way to reminisce. I didn't really know what it was about, but I'd always envision a white flower pot placed outside a window when I'd listen. Fast forward to 20 years later, and that same goldoon appears in my head. Now, I also think about singing it with my own friends in car rides on trips we've gone on when I hear it; it adds an added layer of significance to something already so special.

I used to only attribute Googoosh songs to my family singing it to me, and now I also get to remember the night my friend and I had our own Googoosh concert at home and tried to do the dance she does in the "Man Amadeh-Am" music video. After that, she also showed me that Leila Forouhar and Aref eh Aziz did



a recent duet of "Soltaneh Ghalba", and my spotify searches went to new places after that.

I owe a lot of my fondest memories to music; some in Persian, others in English, a few in Spanish, and I don't think those songs will ever stop being important to me, at least, I hope they don't. Music's timelessness can connect people from different generations and cultures to one another. It can also grow infinitely more meaningful as people attribute new memories to old songs, or old memories to new songs. I'm no musician, but the beauty in all this is that you don't have to be to let it shape your everyday moments, and subsequently to allow it to fill you up with emotions and connections not otherwise possible.



Roya Behmardian

was born and raised in Southern California. She has attended CZC's Persian and religious classes all through her childhood. She graduated from UCI with a Masters of Art in teaching and is currently an elementary school teacher



Dear friends and congregates,

We are proud to announce that the Arizona Zoroastrian Association, with the aid and assistance of its members and supporters, is celebrating its twelfth anniversary as a 501(c)(3) nonprofit organization, serving Zoroastrians in Arizona. This organization was founded with the goal of uniting Zoroastrians as well as promoting the continuation and elevation of our community outside of our mothers' land. To that aim, it is our mission to establish a place of gathering and worship (Darbe Mehr) in Arizona for our congregates. However, to achieve this goal, Arizona Zoroastrian Association needs your generosity and support. Any donation to the Arizona Zoroastrian Association is fully tax deductible. To make a donation please mail your check to: Arizona Zoroastrian Association, P.O. BOX 15603, Scottsdale, AZ 85267. Alternatively, you may deposit your donation in our Bank of America, account number 004379361081.

Sincerely, Arizona Zoroastrian Association Board of Directors T: (480) 779-9411

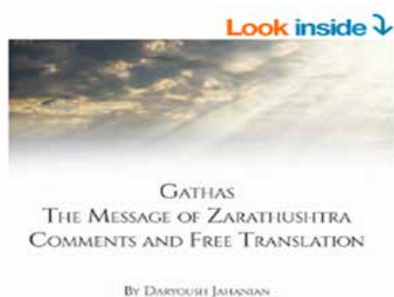
A new book: Gathas The Message of Zarathushtra
Comments and Free Translation by: Daryoush Jahanian
Editing by R. Scott Nelson

This book is published by Next Century Publishing.
Readers can order from any of these online retailers:

www.amazon.com

<http://nextcenturypublishing.com/store/>

<https://www.goread.com/browse/>



مسابقه استعدادها (تalent شو) در کنگره جهانی جوانان زرتشتی 2019
CZC Art Group invites all talented people to perform in 7TH WORLD ZOROASTRIAN
YOUTH CONGRESS' Talent Show.
Register on the Congress' Website with your information, a description of your talent,
and an attached video or a link.
Before May 30th , 2019
<http://wzycongress.org/talentshow/>

There is a new website on the teachings of Zarathushtra, authored by Dina G. McIntyre. It includes the basics, as well as more in--depth information. You may access it at:

<https://gathasofzarathushtra.com>

This is a work in progress. The chapters under the following Tabs are done.

General Overview; Part One: The Basics; Part Two: Puzzles & Paradigms;
as well as Abbreviations; Bibliography; and About the Author.

The other Tabs have some chapters that are done, and many that remain to be done, which will be uploaded periodically, as they are completed.

If you are interested only in the Basics, start with the General Introduction (under the General Overview Tab). Then in Part One: The Basics, read whatever interests you (you may prefer to skip chapters 1.3 through 1.10 which are more detailed).

Browse at will. Enjoy.

22nd CZC-OC Board of Directors Election

Deadline to request absentee ballot April 30, 2019

Deadline for candidacy May 4th, 2019

Candidate meeting and mailing absentee ballot May 5th, 2019

Deadline to receive absentee ballot postmark May 15th, 2019

First Election date May 19th, 2019

Alternate Election date June 2nd, 2019



Candidate's criteria:

- Candidates must have been a member of the center for at least one year and be current member. The deadline to become a current member is April 15, 2019.
- Be present on Election Day, unless approved by election committee.
- Must be at least 25 years of age

Voters' criteria:

- Voters must have been a member of the center for at least three months prior to election
- Must be at least 18 years of age
- can vote by mail or in person

Nominations:

If you want to be a candidate or you know of a person who can be a good candidate please email us at election@czc.org.

Absentee ballot:

If you would like to vote by mail please email or let us know by calling CZC office at 714-893-4737 no later than April 30. If you don't receive confirmation call/email within two days, please contact us again.

Absentee ballot will be mailed to you on May 5. You must mail your absentee ballot by May 15.

Absentee ballot will only be opened on Election Day.

22nd Election Committee:

Shahriar Afshari, Mahnaz Dinyari, Jahangir Goshtasbi, Fariba Pirghaibi, Mandana Pishdadi

CZC Youth! We need you!

We've been selected to host the World Zoroastrian Youth Congress in July 2019.

The initial program has just been finalized and we could use your help with:

- Event Planning, Logistics, and Transit Support
- Fundraising, Advertisements, and Ticket Sales
- ...or Just buy a ticket!

More information is available at <http://wzycongress.org>.

Volunteers: Reach out to info@wzycongress.org or fill out the form online.

